­­





**دانشگاه غیر دولتی- غیر انتفاعی خاتم**

**دانشکده علوم انسانی**

**گروه علوم اقتصادی**

**آیا در بازار بورس اوراق بهادار تهران، واکنش های افراطی وجود دارد؟**

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته علوم اقتصادی گرایش اقتصاد نظری

**استاد راهنما:**

دکتر مهدی حیدری

**دانشجو:**

مهدی میر

شهریور ۱۴۰۱

اظهارنامه دانشجو

**عنوان پایان‌نامه** : آیا در بازار بورس اوراق بهادار تهران، واکنش های افراطی وجود دارد؟

**استاد راهنما**: دکتر مهدی حیدری

اینجانب مهدی میر دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی گرایش نظری دانشگاه خاتم به شماره دانشجويی ۳۹۸۱۳۰۰۳۶۰۰۰۴ گواهی مي‌نمايم که تحقیقات ارائه شده در این پایان‌نامه توسط اینجانب انجام شده است و صحت و اصالت مطالب نگارش شده مورد تایید مي‌باشد و در موارد استفاده از کار دیگر محققان به مرجع مورد استفاده اشاره شده است. به علاوه گواهی می‌نمایم که مطالب مندرج در پایان‌نامه تا کنون برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی توسط اینجانب يا فرد دیگری ارائه نشده ‌است و در تدوین متن پایان‌نامه چارچوب مصوب دانشگاه را به­طور کامل رعایت کرده‌ام.

کليه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق، همچنین چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس از این پایان‌نامه کارشناسی ارشد، برای دانشگاه خاتم محفوظ است. نقل مطلب با ذکر منبع بلامانع است.

**امضاء دانشجو:**

**تاریخ:**

**سپاس**

از استاد راهنمای عزیزم، جناب آقای دکتر مهدی حیدری و سایر اساتید و کارکنان موسسه تیاس در دانشگاه خاتم که در این مسیر مرا یاری نمودند.

چکیده

بازارهای مالی کارآمد موجب افزایش بهره‌وری در اقتصاد و افزایش رشد اقتصادی می شوند.(راجن و زینگلاس (۱۹۹۸)) بازار سرمایه ایران تحت تاثیر اتفاقات، نااطمینانی‌ها و شوک‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری قرار دارد. به خصوص در دو سال اخیر، در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ بازار بورس اوراق بهادار تهران شاهد رشد بی سابقه تاریخی و همچنین افول شدید بوده است. وجود شوک های کلان در بازار سهام تلاطم و روندهای قیمتی ایجاد می‌کند. علاوه بر این اخبار خرد در سطح بنگاه هم می‌تواند نوسانات و روندهای قیمتی ایجاد نماید. این تلاطم ها نحوه تخصیص سرمایه و نسبت قیمت ها را در اقتصاد تغییر می‌دهند. همچنین تلاطم های شدید به اعتماد عمومی نسبت به بازار ضربه می‌زند و می‌تواند باعث کاهش سرمایه گذاری شود.

از سوی دیگر شناسایی نحوه و شدت واکنش معامله گران و فعالان بازار سرمایه به این تلاطم ها و روند ها دارای اهمیت مضاعف است. واکنش عوامل بازار ‌می‌تواند عقلایی یا افراطی (یا تفریطی) باشد. در صورتی که فعالان بازار به روندهای قیمتی و اطلاعات جدید واکنش های افراطی نشان بدهند خود این واکنش می‌تواند باعث ادامه دارتر شدن روند و عمیق تر شدن تلاطمات بازار شود. همچنین واکنش های افراطی به اخبار و روندهای قیمتی توسط معامله‌گران بازار، قیمت ها را از قیمت ذاتی دورتر می‌کند در این صورت قیمت ها حاوی اطلاعات کمتری خواهند بود و نسبت اطلاعات مفید به اعوجاجات (نویز) در قیمت کاهش خواهد یافت. این پژوهش تلاش می‌کند با اعمال استراتژی های متعدد مختلف معامله در بازار روی اطلاعات تاریخی قیمت شرکت ها، به این سوال پاسخ بدهد که آیا واکنش‌های افراطی در بازار ایران وجود دارند یا خیر.

**واژه‌های کلیدی:** بازار بورس، استراتژی معاملات

فهرست مطالب

[فصل 1 : مقدمه 8](#_Toc95123733)

[۱-۱- مقدمه 9](#_Toc95123734)

[2-1 مروری بر پیشینه قانونی مناطق ویژه اقتصادی در ایران 11](#_Toc95123735)

[2-1- روش انجام تحقیق 16](#_Toc95123736)

[3-1- نوآوری، اهمیت و ارزش تحقیق 16](#_Toc95123737)

[4-1- خلاصه فصل ها 17](#_Toc95123738)

[فصل 2 : مروری بر مطالعات انجام شده 18](#_Toc95123739)

[1-2-مقدمه 19](#_Toc95123740)

[2-2- مروري بر ادبيات موضوع 19](#_Toc95123741)

[1-2-2- ادبیات موضوع مهاجرت های درون مرزی یا استانی 19](#_Toc95123742)

[2-2-2- ادبیات موضوع سیاست های مبتنی بر مکان 26](#_Toc95123743)

[3-2- نتيجه‌گيري 34](#_Toc95123744)

[فصل 3 : روش تحقيق 35](#_Toc95123745)

[1-3- مقدمه 36](#_Toc95123746)

[2-3- متدولوژی 37](#_Toc95123747)

[1-2-3- مدل اولیه : روش تفاضل در تفاضل 37](#_Toc95123748)

[2-2-3- مدل رگرسیون اثر ثابت دو طرفه 39](#_Toc95123749)

[3-2-3- مدل نهایی : متوسط گروهی-زمانی تاثیرات آزمایش بر گروه درمان 39](#_Toc95123750)

[3-3- تعریف متغیر ها و اجزا مدل 41](#_Toc95123751)

[1-3-3- متغیر وابسته 41](#_Toc95123752)

[2-3-3- گروه درمان و گروه کنترل 43](#_Toc95123753)

[3-3-3- زمان شروع به فعالیت مناطق ویژه اقتصادی 44](#_Toc95123754)

[فصل 4 : تجزیه و تحلیل داده ها 46](#_Toc95123755)

[1-4- توصیف داده ها 47](#_Toc95123756)

[2-4- نتایج 50](#_Toc95123757)

[1-2-4-تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر جریان های مهاجرت در سطح استان 50](#_Toc95123758)

[2-2-4- تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر جریان های مهاجرت در سطح شهرستان 56](#_Toc95123759)

[فصل 5 : بحث و نتیجه گیری 64](#_Toc95123760)

[1-5- مقدمه 65](#_Toc95123761)

[2-5- محتوا 65](#_Toc95123762)

[1-2-5- جمع بندی 65](#_Toc95123763)

[2-2-5- نوع آوری 66](#_Toc95123764)

[3-2-5- محدودیت ها و پیشنهاد ها 66](#_Toc95123765)

[منابع و مراجع 68](#_Toc95123766)

فهرست جداول

[جدول ‏)1‑1(: درصد خانوار های مهاجر به تفکیک علت مهاجرت 10](#_Toc102993572)

[جدول ‏)1‑2: ( پیسنه قانونی مناطق ویژه اقتصادی 14](#_Toc102993573)

[جدول )‏2‑1: ( برخی از سیاست های مبتنی بر مکان اعمال شده در سایر کشور ها 27](#_Toc102993574)

[جدول )‏3‑1: ( متغیر های مدل 41](#_Toc102993575)

[جدول )‏3‑2( :زمان شروع به فعالیت مناطق ویژه اقتصادی 45](#_Toc102993576)

[جدول )‏4‑1 : (تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر مهاجران وارد شده به استان 50](#_Toc102993577)

[جدول )‏4‑2: ( تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر جریان مهاجر خارج شده از استان 52](#_Toc102993578)

[جدول )‏4‑3 : (تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر کل مهاجران خارج شده از استان 54](#_Toc102993579)

[جدول )‏4‑4: ( تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر مهاجران اقتصادی خارج شده از استان 55](#_Toc102993580)

[جدول )‏4‑5 : (تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر کل مهاجران وارد شده به شهرستان 57](#_Toc102993581)

[جدول )‏4‑6: ( تاثیر مناطق ویژه اقتصادی به کل مهاجران اقتصادی وارد شده به شهرستان 58](#_Toc102993582)

[جدول )‏4‑7: ( تاثیر مناطق ویژه اقتصادی به کل مهاجران وارد شده به شهرستان از همان استان 59](#_Toc102993583)

[جدول )‏4‑8: ( تاثیر مناطق ویژه اقتصادی به مهاجران اقتصادی وارد شده به شهرستان از همان استان 60](#_Toc102993584)

[جدول )‏4‑9: ( تاثیر مناطق ویژه اقتصادی به کل مهاجران وارد شده به شهرستان از سایر استان ها 61](#_Toc102993585)

[جدول )‏4‑10: ( تاثیر مناطق ویژه اقتصادی به مهاجران اقتصادی وارد شده به شهرستان از سایر استانها 62](#_Toc102993586)

فهرست تصاویر

[شکل )‏4‑1: ( همبستگی نرخ بیکاری با درصد مهاجران وارد شده و خارج شده از استان 48](#_Toc102993621)

[شکل )‏4‑2: ( درصد مهاجران وارد و خارج شده از استان 49](#_Toc102993622)

|  |
| --- |
| : مقدمه |

## ۱-۱- مقدمه

در ادبیات مالی، در مدل تک عاملی ارزش گذاری دارایی ها (CAPM) فرض می‌شود که عامل تاثیر گذار بر قیمت دارایی ها تنها یک عامل ریسک است و آن همان پورتفوی بازار است. دارایی یا پورتفوی های مختلف بسته به میزان حساسیت خود نسبت به این عامل ریسک ارزش گذاری می شوند. در واقع این مدل نشان می‌دهد که در تعادل چه رابطه ای بین بازده مورد انتظار و ریسک دارایی برقرار است. فرض های مدل CAPM بر این اساس استوار است که بازار کارا است و سرمایه گذاران بر اساس نظریه پرتفوی دست به کاهش ریسک سیستماتیک میزنند، و نهایتا بر اساس میزان ریسک گریزی خود یک پرتفوی کارا با ریسک مورد انتظار خود را انتخاب می‌کنند.

در مدل CAPM با استفاده از فروض آن، نشان داده می شود که ریسک هر دارایی بر اساس میزان وابستگی آن به پورتفوی بازار مشخص می شود و همچنین میزان مورد انتظار بازده دارایی از مدل خطی زیر بدست می‌آید.

وجود نوسانات شدید در بازار سرمایه باعث کم شدن امنیت سرمایه گذاری و اعتماد عمومی نسبت به بازار سهام می شود. به خصوص اگر این نوسانات ناشی از رفتارهای افراطی یا بی مورد فعالان بازار به روندهای شکل گرفته در بازار باشد. موارد یاد شده منجر به تخصیص ناکارآمد سرمایه در اقتصاد می‌شود. همچنین آشفتگی در بازار سرمایه می‌تواند به بازار سایر دارایی ها نظیر طلا و ارز منتقل شود. جهت توسعه بازار سرمایه و برای افزایش یا کاهش قوانین محدود کننده مانند محدودیت نوسان قیمت روزانه، اطلاع از مکانیزم های فعال در بازار به خصوص نحوه واکنش فعالان بازار به روندهای قیمتی لازم است. همچنین اطلاع فعالان بازار از این واکنش ها مي‌تواند به آن ها در مورد درک بهتر قیمت‌ها و شرایط بازار کمک کند.

در رابطه ی بالا، بازده مورد انتظاری دارایی مورد نظر، نرخ بهره بدون ریسک، بازده مورد انتظار پورتفوی بازار، میزان وابستگی ریسک دارایی به ریسک سیستماتیک است یا به عبارت دیگر شاخصی از ریسک سیستماتیک دارایی مورد نظر می باشد.

فاما و فرنچ (۱۹۹۲) نشان دادند که مدل یاد شده در عمل برای مقادیر واقعی اطلاعات بازار خوب عمل نمی‌کند. در واقع این دو نشان دادند که برای سهام های بازار آمریکا در یک برش زمانی دلخواه بازده متوسط سهام های مختلف به بازار که در مدل CAPM توسط شارپ (۱۹۶۴) ارائه شده بود ارتباطی ندارد. همچنین در این مقاله فاما و فرنچ مدل های دیگری که تا آن زمان برای پیش‌بینی بازده سهام ارائه شده بود را هم امتحان کردند. از جمله این مدل ها مدل APT که توسط (Lintner) در سال ۱۹۶۵ طراحی شده بود است. مدل اخیر و دیگر مدل ها هم توفیق چندانی برای پیش بینی متوسط بازده سهام در بازار آمریکا را نشان ندادند.

## 2-1- روش انجام تحقیق

* نوع روش و فرآیند اجرایی تحقیق

جمع آوری دیتای قیمت و شاخص ها که توسط سازمان بورس ارائه می شود. بررسی استراتژی ها و شکستن بازده استراتژی های کوتاه مدت به عوامل مختلف.

* روش‌های گردآوری داده‌ها

سایت سازمان بورس اوراق بهادار تهران

* روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش های اقتصاد سنجی و مدل CAPM

* جامعه (قلمروی مکانی) و نمونه آماری

تمام شرکت های عرضه شده در بورس اوراق بهادار تهران

* دوره زمانی اجرای تحقیق

از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹

## 3-1- نوآوری، اهمیت و ارزش تحقیق

وجود نوسانات شدید در بازار سرمایه باعث کم شدن امنیت سرمایه گذاری و اعتماد عمومی نسبت به بازار سهام می شود. به خصوص اگر این نوسانات ناشی از رفتارهای افراطی یا بی مورد فعالان بازار به روندهای شکل گرفته در بازار باشد. موارد یاد شده منجر به تخصیص ناکارآمد سرمایه در اقتصاد می‌شود. همچنین آشفتگی در بازار سرمایه می‌تواند به بازار سایر دارایی ها نظیر طلا و ارز منتقل شود. جهت توسعه بازار سرمایه و برای افزایش یا کاهش قوانین محدود کننده مانند محدودیت نوسان قیمت روزانه، اطلاع از مکانیزم های فعال در بازار به خصوص نحوه واکنش فعالان بازار به روندهای قیمتی لازم است. همچنین اطلاع فعالان بازار از این واکنش ها مي‌تواند به آن ها در مورد درک بهتر قیمت‌ها و شرایط بازار کمک کند.

## 4-1- خلاصه فصل ها

{}

|  |
| --- |
| : مروری بر مطالعات انجام شده |

## 1-2- مقدمه

## 2-2- مروري بر ادبيات موضوع

### 1-2-2- ادبیات موضوع مهاجرت های درون مرزی یا استانی

شاید بتوان گفت اولین فردی که این پدیده را به عنوان پدیده‌ای قانونمند بررسی کرد راونشتاین[[1]](#footnote-2) بود. که در سال 1885 با بررسی داده‌های سرشماری انگلستان در سال های 1871 و 1881 به بررسی این پدیده پرداخت و آن را در چهارچوب قوانینی حکمران برآن توصیف کرد. پس از آن شروع چنین موضوعی در ادبیات موضوع اقتصادی را می­توان به هیکس[[2]](#footnote-3) 1932 نسبت داد. (بیاگی و دوتزل[[3]](#footnote-4) 2018) که در تئوری حقوقش بیان می‌کند تفاوت در مزایای اقتصادی، بخصوص حقوق، عامل اصلی تعیین کننده جابجایی افراد بین مناطق مختلف اند. که شاید بتوان این نوع نگاه را مبنایی برای رویکردی در نظر گرفت که بعدها در ادبیات موضوع اقتصادی، رویکرد عدم تعادل[[4]](#footnote-5) نام گرفت.

در رویکرد عدم تعادل جابجایی نیروی کار بین مناطق مختلف به تفاوت در عوامل اقتصادی مناطق مختلف نسبت داده می­شود. و تفکر غالب در چنین رویکردی این بود که افراد از مناطقی با مزایای اقتصادی کم ( به طور مشخص نرخ بیکاری زیاد و درآمد پایین) به مناطقی با مزایای اقتصادی زیاد ( به طور مشخص نرخ بیکاری کم و درآمد زیاد) مهاجرت می‌کنند و این امر تا جایی ادامه پیدا می‌کند که تفاوت‌های اقتصادی مناطق مختلف همگرا شود(بیاگی و دوتزل 2018). در ابتدا به دلیل در دسترس نبودن داده‌های در سطح خرد پژوهشگران برای بررسی چنین پدیده‌ای به بررسی تفاوت‌های اقتصادی مناطق و ارتباط آن با جابجایی نیروی کار بین این مناطق می­پرداختند. و با ارئه مدل‌های جاذبه[[5]](#footnote-6) سعی بر برسی عوامل تاثیر­گذار بر این پدیده بودند. که براساس پژوهش گرین وود[[6]](#footnote-7) (1975) می­توان نتایج این پژوهش‌ها را به این صورت جمع بندی کرد؛ که مهاجرت­های بین منطقه‌ای رابطه‌ی معکوس با فاصله دارد، در واقع در ادبیات موضوع مهاجرت‌های بین منطقه‌ای فاصله بین دو منطقه به عنوان پروکسی‌ای برای هزینه‌های مادی و معنوی جابجایی بین این مناطق در نظر گرفته می‌شود و عمدتا مطالعات مطابق با انتظار به این نتیجه رسیده اند که هرچه فاصله بین مناطق بیشتر می‌شود(یا به تعبیری هزینه مهاجرت زیاد می شود) جابجایی افراد بین این مناطق نیز کمتر می‌شود . اما در مورد تاثیر نرخ بیکاری بر جابجایی افراد شواهد روشنی مبنی بر خروج (ورود) افراد از (به) مناطقی با نرخ بیکار بالا(پایین) بدست نیامده است. بلکه برای مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی می‌توان گفت که افراد از مناطق با نرخ بیکاری زیاد و درآمد کم و فرصت های شغلی کمتر به مناطقی با نرخ بیکار کم، درآمد بالاتر و فرصت های شغلی بیشتر مهاجرت می‌کنند.

با دسترسی بیشتر داده‌های خرد در اواخر دهه هفتاد و دهه هشتاد میلادی پژوهش‌هایی با استفاده از این داده‌ها برای بررسی این پدیده صورت گرفت. که بیشتر بر عوامل تاثیر گذار بر تصمیم افراد و یا خانوار متمرکز است. که یکی از این عوامل سکونت در منطقه‌ای است که در آن نرخ بیکاری بالا است. به طور مثال داوانزو[[7]](#footnote-8) (1978) به بررسی این موضوع می پردازد که آیا بیکاری تصمیم افراد برای مهاجرت را تحت تاثیر قرار می دهد یا خیر؟ و با بررسی داده‌های در سطح خرد PSID آمریکا در سال های 1971 و1972 به این نتیجه می‌رسد که خانوار هایی با سرپرست بیکار و یا در جستجوی کار بهتر، با احتمال بیشتری مهاجرت می‌کنند. و همچنین به این نتیجه می‌رسد که عوامل اقتصادی منطقه‌ای مانند نرخ بیکاری بر تصمیم خانوار برای مهاجرت موثر است ولی نه برای همه آنها. در واقع عوامل اقتصادی تاثیر معنی­داری بر تصمیم خانوارهایی با سرپرست بیکار و یا در جستجوی کار بهتر، دارد. ولی چنین عواملی تاثیر معنی­داری بر تصمیم سایر خانواده‌ها مبنی بر مهاجرت نمی‌گذارد.

پیساریدسا وادزورث[[8]](#footnote-9) (1989) در این رابطه با استفاده از داده‌های نیروی کار انگلستان به این نتیجه می‌رسند که افراد بیکار نسبت به افراد شاغل با احتمال بیشتری مهاجرت می‌کنند. که این احتمال در خانواری که سرپرستش بیکار است بیشتر هم می‌شود. همچنین آنها به این می‌پردازند که زندگی در منطقه‌ای با نرخ بیکاری بیشتر نسبت به منطقه‌ای با نرخ بیکار کمتر چه تاثیری بر احتمال مهاجرت افراد می‌گذارد. و برخلاف داونزو(1978) به رابطه‌ی معناداری دست نمی‌یابند و بیان می‌کنند علی رغم اینکه نرخ مهاجرت در مناطق با بیکاری بالا بیشتر است ولی این به دلیل تفاوت در نرخ بیکاری مناطق نیست بلکه به دلیل انگیزه بیشتر بیکاران برای مهاجرت است. و همچنین بیان می‌کنند که تفاوت در نرخ بیکاری به تنهایی نمی‌تواند توضیح دهنده خوبی برای جابجایی افراد بین مناطق مختلف باشد .البته آنها بیان می‌کنند که تفاوت در مجموع عوامل اقتصادی مثل حقوق، فرصت‌های شغلی و نرخ بیکاری تاثیر معنا‌داری بر جابجایی افراد بین مناطق مختلف دارد.

وجود مشاهداتی مبنی بر عدم توضیح دهندگی کافی نرخ بیکاری مناطق در جابجایی های بین منطقه‌ای و همچنین عدم همگرایی عوامل اقتصادی علی رغم جابجایی نیروی کار منجر به این شد که در دهه 80 میلادی رویکری جدیدی در این باره شکل بگیرد که از آن با عنوان رویکرد تعادل[[9]](#footnote-10) یاد می‌شود. طرفدارن این رویکرد تفاوت در شرایط اقتصادی مناطق مختلف را منعکس کننده‌ی تفاوت در شرایط غیر اقتصادی یا به تعبیری رفاهی می‌دانند به زبانی ساده می‌توان گفت این رویکرد بیان می‌کند که شرایط خوب اقتصادی یک منطقه (مانند بیکاری کم و حقوق زیاد) درواقع جبران یا پوششی است برای امکانات رفاهی کم آن منطقه و افراد حاضرند در منطقه‌ای که شرایط اقتصادی خوبی ندارند به دلیل امکانات رفاهی فراوانش زندگی کنند. در واقع نقطه تقابل این رویکرد با رویکرد عدم تعادل در سرعت پاسخ نیروی کار به تفاوت‌های اقتصادی بین مناطق بود. طرفداران رویکرد عدم تعادل معتقد بودند که بازار‌ها کامل و کارا نیستند و این منجر می­شود که نیروی کار با تاخیر نسبت به این تفاوت های اقتصادی پاسخ دهد و شاهد عدم همگرایی باشیم ولی طرفداران رویکرد تعادل معتقد بودند که بازار ها به اندازه کافی کارا هستند و لزومی بر همگرایی پارامتر های اقتصادی نیست زیرا تفاوت در پارامتر‌های اقتصادی مناطق را منعکس کننده تفاوت در عوامل غیر اقتصادی می‌دانستند.(بیاگی و دوتزل 2018)

به طور مثال گرو و لینمان [[10]](#footnote-11)(1979) در مقاله‌ای ادعا می‌کنند که یکی از عوامل موثر بر جابجایی افراد بین مناطق مختلف یک کشور تقاضا برای کالاهای غیر قابل تجارت منحصر به مناطق است. بطور مثال مجاورت با دریا در یک منطقه، کالایی غیر قابل تجارت است و اگر تقاضای افراد برای چنین کالایی به اندازه کافی زیاد باشد ، برطرف کردن این تقاضا صرفا از طریق جابجایی آنها به آن منطقه برطرف می‌شود. برای آزمون چنین فرضیه‌ای اینگونه استدلال می‌کنند که هر عاملی که تقاضا برای کالاهای غیر قابل تجارت را افزایش دهد احتمال جابجایی افراد را افزایش می‌دهد و شواهدی این چنینی نیز ارائه می‌دهند که متغییر های موثر بر تغییر تقاضای کالا های غیر قابل تجارت احتمال جابجایی را افزایش می دهد.

همچنین وینتر (2009) به بررسی فرضیه تعادل مناطق مختلف یک کشور می­پردازد. که مطابق آن در تعادل، مطلوبیت نیروی کار همگن در مناطق مختلف باید یکسان باشد. و بنابراین در صورت کنترل کردن عوامل رفاهی (غیر اقتصادی)، کشش حقوق و هزینه های زندگی بین این مناطق برابر 1 باشد. به عبارتی در صورت کنترل کردن عوامل رفاهی (غیر اقتصادی )،تفاوت در حقوق بین شهر­های مختلف صرفا منعکس کننده تفاوت در هزینه‌های زندگی است . وینتر برای آزمون چنین فرضیه­ای از داده های CPS آمریکا در سال 2006 استفاده می­کند. و به این نتیجه می‌رسد، در صورتی که هزینه مربوط به مسکن را با استفاده از هزینه اجاره آن حساب کنیم( نه ارزش آن) کشش حقوق نسبت به هزینه­های زندگی تقریبا یک است. و این شاهدی است در تایید رویکرد تعادل.

ولی در اروپا کمی نتایج متفاوت است به طور مثال چشایر و ماگرینی[[11]](#footnote-12) در سال 2006 به بررسی تغییرات جمعیت در شهرهای بزرگ اتحادیه اروپا و عوامل تاثیر گذار بر آن بین سال های 1980 تا 2000 می پردازند و برای اندازه گیری کیفیت زندگی با استناد به شواهد موجود در ادبیات موضوع مربوطه، از متغیر آب و هوا که یکی از مهم­ترین پارامتر­های تعیین کننده کیفیت زندگی است استفاده می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که بر خلاف آمریکا در اروپا جابجایی افراد بین شهر­های بزرگ اتحادیه اروپا بیشتر در جستجوی شرایط اقتصادی بهتر است،( فرضت شغلی بیشتر و حقوق بیشتر) نه در جستجوی کیفیت زندگی بهتر (عوامل غیر اقتصادی). البته آنها بیان می­کنند که عوامل اقتصادی در جابجایی افراد بین شهر های یک کشور تاثیر معنی­داری دارد. ولی این عوامل نقش چندانی در جایجایی بین شهر های بزرگ در اتحادیه اروپا ندارد. بنابراین اینگونه به نظر می­رسد که مهاجرت های بین منطقه ای در اتحادیه اروپا از رویکرد عدم تعادل پیروی می­کند.

در پژوهشی دیگر آلک و همکاران[[12]](#footnote-13) (2010) به بررسی جابجایی نیروی کار بین ۱۶ ایالت فدرالی آلمان بین سال های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۶ (۱۵ سال ) می­پردازند. و با استفاده از رویکرد PVAR به دنبال بررسی عوامل تاثیر گذار بر این پدیده اند. و به این نتیجه می‌رسند که جابجایی نیروی کار در آلمان عمدتا در پاسخ به تفاوت در عوامل اقتصادی است به طور مثال به این نتیجه می‌رسند که تفاوت در حقوق و بیکاری در مناطق مختلف از محرک­های اصلی جابجایی نیروی کار بین این مناطق است و همچنین به این نتیجه می‌رسند که پدیده مهاجرت بین منطقه­ای به عنوان یک مکانیزم تعادلی عمل می­کند، به این معنی که ورود تعداد زیادی از افراد از منطقه j به منطقه i نرخ بیکاری منطقه i را نسبت به منطقه j زیاد و همچنین تفاوت حقوق بین این منطقه را کاهش می­دهد. یا به تعبیری ورود افراد به منطقه i در دوره t-1 ارتباط منفی‌ای با متوسط حقوق این منطقه در دوره t دارد. که این نتایج در تایید رویکرد عدم تعادل است.

همچنین آنها در این پژوهش به بررسی مهاجرت‌های افراد بین آلمان شرقی و غربی پس از اتحاد مجدد می‌پردازد. روند این مهاجرت از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۶ به این صورت بوده است که به طور خالص افراد از آلمان شرقی وارد آلمان غربی می شدند. که این پدیده طی دو موج اتفاق افتاده است. اینگونه که در ابتدا (سال ۱۹۹۱) موج گسترده ای از افراد از آلمان شرقی به آلمان غربی می‌آمدند. ولی این پدیده روند کاهشی به خود گرفته تا اینکه دوباره از سال 1997 ورود افراد از آلمان شرقی به غربی شدت یافته است. در واقع این روند کاهش پس از موج اول مهاجرت ها، این پرسش را ایجاد کرده بود. که چرا علی­رغم وجود تفاوت­های اقتصادی بین آلمان شرقی و غربی روند مهاجرت بین مناطق روند کاهشی به خود گرفته است؟

آلک و همکارن برای پاسخ به این سوال، این فرضیه را مطرح می­کنند که شاید عوامل غیر اقتصادی ( مثلا امکانات بیشتر در آلمان شرقی) منجر به کاهش این روند شده است. که شواهد قوی‌ای در تایید این فرضیه نمی یابند و از بین فرضیات مختلف مهم­ترین کاندیدایی که می­تواند چنین پدیده­ای را توضیح دهد انتقال منابع مالی از آلمان غربی به آلمان شرقی معرفی می­کنند. که با کاهش این منابع در سال ۱۹۹۷ موج دوم مهاجرت از آلمان شرقی به آلمان غربی شروع می­شود.

در ابتدای پیدایش رویکرد تعادل، این رویکرد به نظر ناسازگار و در جهت مقابل رویکرد عدم تعادل قرار داشت. تا اینکه نتایج پژوهش­ها در مناطق متفاوت و در پیروی از هردوی این رویکرد­ها منجر به پیدایش اجماعی بین این دو رویکرد شد. به گونه ای که بیاگی و همکاران[[13]](#footnote-14) (2011) در پژوهش خود در مورد ایالیا پس از بحث در مورد اینکه اساسا رویکرد­های عدم تعادل و تعادل با هم ناسازگار نیستند و اینکه تصمیم جابجایی خانوار هم متاثر از شرایط اقتصادی و غیر اقتصادی است به این می‌پردازد که مردمان کشور‌های مختلف ممکن است وزن‌های متفاوتی به شرایط اقتصادی و غیر اقتصادی بدهند و حتی افراد درون هر کشور نیز ممکن است وزن‌های متفاوتی به این عوامل دهند و در مورد ایتالیا سعی بر این دارد که مهاجرت‌های از راه دور و نزدیک را از هم تفکیک کرده و به این نتیجه می‌رسد که مهاجرت‌های از راه دور که از جنوب به شمال ایتالیا اتفاق می‌افتد برخواسته از تفاوت در شرایط اقتصادی است. و در واقع از رویکرد عدم تعادل پیروی می­کند. و مهاجرت‌های از راه نزدیک بیشتر برخواسته از تفاوت در امکانات شهر‌ها است و از رویکرد تعادل پیروی می‌کند. و نتیجه می‌گیرد که اگر پدیده مهاجرت داخلی را به صورت کلی بررسی کنیم و آن را تفکیک نکنیم نمی‌توان نقش عوامل مختلف را به درستی تشخیص داد.

در پژوهشی دیگر فرگوسن و همکاران[[14]](#footnote-15) (۲۰۰۷) به بررسی عوامل تاثیر گذار بر تغییرات جمعیت مناطق مختلف کانادا می‌پردازد. و با در نظر گرفتن داده‌های سرشماری سال های 1991 و 2001 به بررسی توضیح دهندگی عوامل مختلف اقتصادی و رفاهی ( غیر اقتصادی) می‌پردازد و به این نتیجه می رسد که عوامل اقتصادی بیشترین توضیح دهندگی را برای تغییرات جمعیت مناطق مختلف دارد. به نحوی که در مناطق روستایی این عوامل بین ۸ الی ۴۲ درصد تغییرات جمعیت و در مناطق شهری این عوامل بین ۵ تا ۵۶ درصد از تغییرات جمعیت را توضیح می‌دهد. عوامل رفاهی (غیراقتصادی) در مناطق شهری بین ۶ تا ۵۰ درصد تغییرات جمعیتی را توضیح می‌دهد ولی در مناطق روستایی از درجه اهمیت کمتری برخوردار است و نهایتا می‌تواند ۲۳ درصد از تغییرات جمعیت در این مناطق را توضیح دهد.

در مورد ایران همانطور که مطرح شد با توجه به داده‌های طرح آمارگیری نیروی کار بین سال های 1384 الی 1398 به طور متوسط سالانه چیزی حدود 1 میلیون نفر بین استان‌های مختلف جابجا می­شوند. که از نظر مقداری استان­های چون اصفهان و البرز و خراسان رضوی جزء مهاجرپذیر­ترین استان­ها و استان­های آذربایجان شرقی، سیستان و بلوچستان و خوزستان جزء مهاجر­فرست­ترین استان‌ها هستند. و از نظر درصد مهاجران از جمعیت مناطق، استان­های البرز و اصفهان و گیلان جز مهاجر پذیر­ترین استان­ها و استان­های سمنان و ایلام و لرستان جزو مهاجر فرست­ترین استان­ها هستند.

عمده پژوهش­های انجام شده در مورد ایران توسط جغرافی‌دانان و جمعیت‌شناسان صورت گرفته است که می‌توان به پژوهش های آقایاری هیر و حکیمی (1396)، مستفوی الممالکی و همکاران (1393)،زندی و همکاران (1399) و حسینی و همکاران اشاره کرد. از پژوهش­های اقتصادی در این حوزه می­توان به پژوهش راعی و همکاران(1393) اشاره کرد. که آنها بر مبنای اطلاعات حاصل از سرشماری سال های 1375 و 1385 به تخمین مدل گرانش بسط یافته مهاجرت می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که برخی از ویژگی‌های مهاجران با انتظارات تئوریک مطابقت دارد. و برخی دیگر نه؛ آنها نشان می‌دهند که مهاجران داخلی به دنبال درآمد بیشتر هستند اما در رابطه با درآمد و نرخ بیکاری استان مبدا ارتباط معنی­داری پیدا نمی‌کنند.

در پژوهشی دیگر میرزا مصطفی و قاسمی (1392) به بررسی مهاجرت استانی طی دوره (1385-1390) بر اساس نتایج حاصل از سرشماری سال 1390 می‌پردازند و با بکارگیری مدل جاذبه به بررسی تاثیر عواملی چون جمعیت، نرخ بیکاری،فاصله جغرافیای، همسایگی، میزان شهر نشینی،تولید ناخالص داخلی، شاخص قیمت‌ها در استان­های مبدا و مقصد بر مهاجرت استانی می‌پردازند و به صورت کلی به این نتیجه می‌رسند که غالب عوامل تاثیرگذار بر مهاجرت‌های استانی با انتظارات تئوریک مطابقت دارد اما در مورد نرخ بیکاری استان مبداء تاثیر معنی­داری را شناسایی نمی‌کنند.

لذا می­توان اینگونه جمع بندی کرد که عوامل اقتصادی نقش بسزایی در تصمیم افراد برای مهاجرت‌های استانی دارد به این صورت که افراد تمایل دارند از مناطقی با ویژگی­های اقتصادی نامطلوب به مناطقی با مزایای اقتصادی بهتر مهاجرت کنند. از منظر سیاست گذاری اینکه چه رویکردی در قبال این پدیده اتخاذ شود موضوع مورد بحث در این پژوهش نیست بلکه در این پژوهش به بررسی تاثیر یکی از سیاست های منطقه­ای دولت پرداخته می­شود. که این اقدام در نگاه اول به صورت ناهمگنی موجب بهبود شرایط اقتصادی مناطق کشور می­شود و به تبع آن انتظار می­رود به تصمیم خانوار مبنی بر مهاجرت تاثیر گذار باشد.

سیاست­های منطقه­ای با اهداف مختلفی اتخاذ می­شوند، گاهی این سیاست‌ها در جهت بهبود شرایط اقتصادی مناطق با پتانسیل ولی کم برخوردار عمل می‌کنند، گاهی برای تقویت هر چه بیشتر مناطقی اتخاذ می­شوند که در حال حاضر در وضعیت مطلوبی به سر می­برند. به صورت کلی اهداف زیادی را می‌توان برای این سیاست­ها برشمرد که کشور‌های مختلف با این اهداف چنین سیاست­هایی را اجرایی کرده­اند و از این رو پژوهش­های زیادی نیز در رابطه با سیاست­های مبتنی بر مکان صورت گرفته است که در ادامه به بررسی ادبیات موضوع شکل گرفته پیرامون آن می­پردازیم .

## 2-2-2- ادبیات موضوع سیاست­های مبتنی بر مکان

به صورت کلی سیاست‌های مبتنی بر مکان را می‌توان به مجموعه­ای مداخلات دولت اطلاق کرد که به منظور بازتوزیع منابع از یک مکان به مکان دیگر اتخاذ می‌شود (مورتی[[15]](#footnote-16) 2010). قرن بیستم شاهد تعداد زیادی از سیاست‌های مبتنی بر مکان برای حمایت از نواحی کم برخوردار بوده است به طور مثال توسعه زیرساخت‌های دره تنسی[[16]](#footnote-17) یکی از مهم‌ترین این سیاست‌ها در تاریخ ایالات متحده است که در سال 1933 برای حمایت از این ناحیه، که آن زمان توسعه نیافته بود، اتخاذ شد(مورتی و کلین[[17]](#footnote-18) 2014). به صورت کلی چنین سیاست‌هایی در تمامی کشور‌های دنیا با اهدافی مختلف اجرا می‌شود که از میان آن‌ها می­توان به برنامه سازمانی کشور انگلستان، برنامه سازمانی کالیفرنیا، برنامه توانمند­سازی مناطق ایالت متحده، صندوق توسعه منطقه‌ای اروپا، کمک‌های انتخابی منطقه‌ای انگلستان، مناطق ویژه اقتصادی چین و ..... نام برد که خلاصه‌ای از آنها و اهدافی که دنبال می‌کنند در جدول 1 آمده است. (نیومارک و سیمپسون[[18]](#footnote-19) 2015)

جدول )‏2‑1: ( برخی از سیاست های مبتنی بر مکان اعمال شده در سایر کشور ها

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **سیاست های منطقه ای** | | | |
| **نوع سیاست** | **مثال های مشخص** | **اهداف سیاست** | **مناطق مورد هدف** |
| مناطق سازمانی | California Enterprise Zone | ایجاد شغل برای افراد محروم واجد شرایط | مناطق با تمرکز بالای بیکاران و فقیران |
| US Federal Empowerment Zones |
| US Federal Enterprise Communities |
| French Enterprise Zones |
| جذب ، توسعه و حفظ کسب و کار ها | Uk Enterprise Zones(2011) | ایجاد مشاغل و کسب و کار های جدید و خوشه بندی صنایع | کسب و کار های جدید ایجاد در مناطق مورد حمایت دولت |
| توسعه خوشه بندی صنایع | French Local Productive Systems | افزایش همکاری بین شرکت ها و بین شرکت ها و مؤسسات تحقیقاتی دولتی | بدون محدودیت در مناطق |
| Bavarian High-Tech Offensive | کل ایالت ها |
| توسعه زیرساخت ها | Tennessee Valley Authority (TVA) | نوسازی اقتصادی | قسمت های محروم دره تنسی و حوزه آپالاچیا |
| Appalachian Regional Commission |
| European Regional Development Fund (ERDF) | تقویت انسجام اقتصادی، اجتماعی و سرزمینی | مناطقی که به طور نسبی سرانه تولید داخلیشان کمتر از متوسط اتحادیه اروپا است |
| European Social Fund(ESF) | افزایش درصد مشارکت در بازار کار | مناطقی که نرخ بیکاریشان بیشتر از متوسط نرخ بیکاری اتحادیه اروپا است. |
| اعتبارات اختیاری | UK Regional Selective Assistance | ایجاد و حفظ مشاغل | مناطقی که به طور نسبی یرانع تولید داخلیشان کمتر از متوسط اتحادیه اروپا است |
| Italian Law 488 | سرمایه گذاری داخلی | مناطقی که نرخ بیکاریشان بیشتر از متوسط نرخ بیکاری اتحادیه اروپا است. |

ادامه جدول 2-1 : برخی از سیاست های مبتنی بر مکان اعمال شده در سایر کشور های دنیا

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| توسعه جامعه و ابتکارات محلی | Low-Income HousingTax Credit | مسکن ارزان قیمت | مناطق یا خانوار کم درآمد |
| redevelopment areas | توسعه شهری |
| New MarketsTax Credit | توسعه اقتصادی |

همانطور که مشاهده می­شود سیاست‌های مبتنی بر مکان اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند که این اهداف مختلف نشات گرفته از منطق‌های مختلفی است که حاکم بر این سیاست‌ها است. بنابراین قبل از اینکه به ارائه شواهد پیرامون ارزیابی این سیاست‌ها در نیل به اهدافشان بپردازیم ابتدا پایه و اساس و یا به عبارتی منطقی که این سیاست‌ها بر آن‌ها استوار‌اند را بررسی می‌کنیم و در نهایت به ارائه شواهدی پیرامون این پایه‌ها می پردازیم.

#### 1-2-2-2- مبانی نظری حاکم بر سیاست­های مبتنی بر مکان

به صورت کلی می­توان دو منطق را برای سیاست­ها و یا مداخلات دولت حاکم کرد، یکی منطق برابری[[19]](#footnote-20) و دیگری منطق کارایی[[20]](#footnote-21). سیاست‌های مبتنی بر مکان را نیز می‌توان از منظر این دو منطق مورد بررسی قرار داد. به طور خلاصه از نظر منطق برابری دولت‌ها به منظور بازتوزیع منابع از مناطق غنی به مناطق فقیر سیاست­هایی را در مناطق کم برخوردار اعمال می‌کنند تا با بهبود شرایط اقتصادی این مناطق، موجبات رشد و توسعه آنها را فراهم کنند. از نظر منطق کارایی دولت‌ها با اعمال سیاست‌هایی در سدد باز توزیع منابع در مناطق مختلف کشور هستند با این تفاوت که الزاما این بازتوزیع در جهت حمایت از قشر محروم جامعه نبوده بلکه افزایش کارایی مناطق و به تبع آن رشد اقتصادی آن مناطق را دنبال می‌کند که گاه این رشد اقتصادی در راستای کمک به محرومان جامعه قرار می‌گیرد و گاه در تعارض با آن که در ادامه به هر کدام از این منطق ها و نظر پژوهشگران مختلف در رابطه با آنها می­پردازیم.

* **منطق برابری**

همانطور که مطرح شد در این منطق هدف از اعمال این سیاست‌ها حمایت از مناطق کم برخوردار جامعه است و این منطق در میان سیاست‌گذاران نیز بسیار محبوب است. پژوهشگران متعددی با ارائه چارچوب‌های تئوری به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که از میان آنها می‌توان به پژوهش‌های مورتی (2010)، مورتی و کلین (2014) و گلیزر و گوتلیب[[21]](#footnote-22) (2008) اشاره کرد.

مورتی 2010 بیان می‌کند که سیاست‌های مبتنی بر مکانی که به منظور حمایت از افراد کم برخوردار در مناطق محروم اتخاذ می‌شوند راه حل بهینه‌ای برای حمایت از این قشر نیست. زیرا اگر تحرک نیروی کار بالا باشد و کشش و عرضه منازل مسکونی کم باشد. اعطای امتیاز به مناطق محروم، صرفا موجب افزایش قیمت مسکن می‌شود و این سیاست ها صرفا موجب می‌شود که صاحب خانه‌ها در این مناطق از این سیاست‌ها منتفع شوند و اگر هم نیروی کار یک کشور نسبت به محل زندگیشان ترجیحاتی داشته باشند که به سبب آن تحرکشان کم باشد. این سیاست ها می‌تواند وضعیت افراد محروم را بهبود ببخشد ولی همچنان از آنجایی که وجود دارند افرادی که نسبت به محل زندگیشان بی تفاوت‌اند. تمامی عواید این قبیل سیاست‌ها نسیب افراد کم برخوردار مناطق محروم نمی­شود.

مورتی و کلین (2014) نیز همین مسئله را مورد بررسی قرار می‌دهند و نتایج مشابهی می‌گیرند و منطق برابری را برای اعمال این سیاست ها توجیح پذیر تلقی نمی‌کنند و بیان می‌کنند که سیاست گذاران باید بر پیامد های ناخواسته‌ی این سیاست ها در اثر مهاجرت نیروی کار آگاه باشند، زیرا مهاجرت افراد از سایر مناطق به مناطق مورد حمایت این سیاست ها می‌تواند این سیاست‌ها را در نیل به اهدافشان دچار مشکل کند.

در ادبیات موضوع اقتصاد شهری مدلی رایج است تحت عنوان تعادل فضایی که حاکم بودن آن بر مناطق مختلف یک کشور همانند آب سردی است بر سیاست‌های مبتنی بر مکانی که بر منطق برابری استوارند. به تعبیری این تعادل فضایی بیان می­کند که تفاوت درآمد بین مناطق مختلف یک کشور منعکس کننده تفاوت هزینه‌ها و امکانات این مناطق است. به عبارتی مناطقی که در آن درآمد‌ها بالاتر است هزینه‌های زندگی نیز بالاتر بوده و از امکانات کمتری نیز برخودارند.

گلیزر و گوتلیب (2008) مدلی را به تصور می‌کشند که در آن شرکت‌ها در سدد حداکثر کردن سود خود‌اند و به نیروی کارشان به اندازه تولید نهایی آنها حقوق می‌دهند. همچنین فرض می‌کنند که بخش مسکن در تعادل است یعنی قیمت مسکن برابر با هزینه ساخت آن است و از همه مهمتر فرض می‌کنند هزینه مهاجرت کم است و نیروی کار به راحتی می‌تواند بین مناطق مختلف یک کشور جابجا شود. در چنین مدلی می توان گفت در میان مدت و بلند مدت تعادل فضایی برقرار است و در صورت یکسان بودن سطح بهره وری تفاوت در سطح درآمد مناطق مختلف یک کشور منعکس کننده تفاوت در هزینه‌های زندگی و امکانات این مناطق است. با چنین دیدگاهی سیاست‌های مبتنی بر مکان به منظور حمایت از افراد کم برخوردار توجیح پذیر نیستند و حقوق کم آنها در عوض با هزینه‌های زندگی کمتر جبران می‌شود و تنها صاحب خانه‌ها هستند که از این سیاست‌ها منتفع می‌شوند.

حال سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا فروض این مدل در دنیای واقعی برقرار است؟ یا تا چه اندازه می‌توان به نتایج این مدل اتکا کرد؟! آیا تعادل فضایی بین مناطق مختلف یک کشور برقرار است یعنی ارزش فعلی مطلوبیت طول عمر افراد از زندگی در مناطق مختلف یک کشور برابر است؟! یا به عبارت دیگر آیا مناطقی که از درآمد بالاتری برخوردارند متحمل هزینه‌های زندگی بالاتر و امکانات کمتری هستند؟!

گلیزر و گوتلیب (2008) اگرچه ادعایی بر برقراری تعادل فضایی در مناطق مختلف آمریکا نمی‌کنند ولی شواهد متعددی را مطرح می‌کنند که در تایید این فرضیه است و بر اساس آن استدل می‌کنند که . سیاست‌های مبتنی بر مکان با منطق برابری توجیح پذیر نیستند و چنین سیاست‌هایی زمانی توجیح پذیر است که در سدد افزایش کارایی مناطق باشد و این امر زمانی رخ می‌دهد که این منابع به سمت مناطقی هدایت شود که بهره وری بالاتر بوده و همچنین کشش بهره وری نسبت به انباشتگی اقتصادی بالا باشد.

* **منطق کارایی**

همانطور که پیش تر مطرح شد در منطق کارایی افزایش بهره‌وری مناطق فارغ از سطح توسعه یافتگی آنها مد نظر است. مورتی و کلین (2014) سیاست‌های مبتنی بر مکان استوار بر منطق کارایی را سیاست هایی تلقی می کنند که در سدد برطرف کردن شکست بازار در مناطق بر بیایند. آنها دلیل مداخلات منطقه‌ای دولت ها را تامین کالاهای عمومی مناطق، ایجاد انباشتگی اقتصادی، برطرف کردن اصطکاکات بازار کار و انحرافات از قبل موجود در مناطق، بر می­شمرند که از میان آنها انباشتگی اقتصادی بیشتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است به نحوی که پژوهشگران متعددی در سدد بررسی تاثیر سیاست‌های مبتنی بر مکان بر انباشتگی اقتصادی و پیامد‌های آن چه از نظر تئوری و چه از نظر تجربی پرداخته­اند .

از نظر منطق کارایی نیز مورتی (2010) اثر رفاهی این سیاست‌ها را چه در سطح منطقه و چه در سطح کل کشور در چارچوبی تئوری بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که در سطح منطقه مداخلات دولت با اعطای امتیازاتی به برخی مناطق ( نه الزاما کم برخوردار) می­تواند موجب شود تا آن منطقه از یک تعادل بد ( انباشتگی اقتصادی کم و بهره‌وری پایین) به یک تعادل خوب ( انباشتگی اقتصادی زیاد و بهره‌وری بالا ) انتقال یابد. در چنین حالتی هزینه‌های یارانه‌ای این سیاست‌ها می‌تواند در مقایسه با عواید بلند مدت حاصل از انتقال به یک تعادل خوب، کمتر باشد. اما در سطح کل کشور نمی­توان به قطعیت به نتیجه مشابهی رسید زیرا در سطح کلان ممکن است اعمال این سیاست ها منجر به یک بازی با جمع صفر تبدیل شود. به نحوی که ایجاد اشتغال حاصل از این سیاست‌ها در یک منطقه موجب از بین رفتن مشاغل در مناطق دیگر شود.

در این رابطه گلیسر و گوتلیب (2008) بیان می‌کنند تنها در صورتی این سیاست­ها در سطح کل کشور منجر به افزایش بهره وری کل می‌شود که این سیاست­ها در مناطق با بهره‌وری بالا و کشش بهره‌وری بالا نسبت به انباشتگی اقتصادی اعمال شوند. که این نوع نگاه در تضاد با منطق برابری است . البته او همچنین بیان می­کند برای تشخیص مناطق بهینه برای اعمال این قبیل سیاست‌ها سیاست‌گذاران باید شناخت دقیقی از شکل عملکردی تابع سریز داشته باشند و از آنجایی که این شکل تابعی هنوز خیلی شناخته شده نیست، سیاست گذران اطلاعات کافی‌ای برای اعمال سیاست‌هایی که در سطح کلان موثر واقع شود ندارند. همچنین مورتی و کلین (2014) متذکر می‌شوند که این سیاست‌ها علی رغم اینکه می‌تواند موجب رشد و بهره‌وری مناطق مورد هدف باشد همچنین با بازتوزیع نادرست منابع می‌تواند تاثیر منفی‌ای بر رفاه کل اقتصاد بگذارد.

#### 2-2-2-2- شواهد تجربی پیرامون سیاست­های مبتنی بر مکان

همانطور که پیش تر مطرح شد سیاست های مبتنی بر مکان تبدیل به ابزار سیاستی شده است که دولت­ها برای باز توزیع منابع با اهداف مختلف در سراسر کشور های دنیا از آن استفاده می­کنند. و پژوهشگران متعددی در سدد ارزیابی این سیاست ها در نیل به اهدافشان برآمده­اند که از میان آنها می‌توان به پژوهش‌های مورتی و کلین (2013)، ریتام چوری [[22]](#footnote-23)(2016) و ... اشاره کرد که در ادامه به بررسی برخی از آنها می‌پردازیم .

براساس پژوهش مروتی(2011) پس از کنترل کردن مهارت، اختلاف متوسط حقوق مناطق شهری با بیشترین و کمترین پرداختی چیزی حدود سه برابر است و در واقع همین تفاوت­ها و یا به تعبیری نابرابری بین مناطق مختلف، دولت آمریکا را به انواع سیاست‌های حمایتی از مناطق کم برخوردار ترغیب کرده است به نحوی که طبق آمار ارائه شده توسط دفتر پاسخگویی این کشور، دولت فدرال سالانه به طور متوسط 15 بیلیون دلار صرف این قبیل سیاست‌های مبتنی بر مکان می­کند و طبق تخمینی که استوری [[23]](#footnote-24)( 2013) انجام داده است دولت محلی و ایالتی سالانه چیزی حدود 80 بیلیون دلار صرف سیاست‌های مبتنی بر مکان و به تعبیری صرف حمایت از مناطق کم برخوردار می‌کند که این رقم بیشتر از بودجه مورد نیاز بیمه‌های بیکاری در یک سال است. (مورتی و کلین 2013).

یکی از بزرگترین و مهم­ترین سیاست­های مبتنی بر مکان در تاریخ آمریکا، سیاست حمایت ناحیه‌ای به نام دره تنسی بوده است که کل ایالت تنسی و قسمت هایی از ایالات کنتاکی[[24]](#footnote-25)، آلاباما[[25]](#footnote-26) و میسیسپی[[26]](#footnote-27) را شامل می­شود. در واقع این سیاست در سال 1933 با هدف مدرنیزه کردن اقتصاد و توسعه زیر ساخت‌ها در این مناطق صورت گرفت. طبق پژوهش موروتی و کلین (2013) عمده حمایت‌های مالی دولت از این مناطق جهت توسعه زیرساخت‌ها در بازه زمانی 1940-1958 صورت گرفت و از سال 1959 نیز روند این حمایت‌های مالی کاهش یافت زیرا زیرساخت‌ها به مرحله‌ای از توسعه یافتگی رسیده بودند که می­توانستند ادامه این فرایند را تامین مالی کند.

مروتی و کلین (2013) به بررسی تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم این سیاست‌ها می­پردازند و به این نتیجه می­رسند که سرمایه­گذاری در توسعه زیرساخت‌ها موجب تاثیر معنا‌داری در رشد بهره‌وری بخش صنعتی-تولیدی آن مناطق شده است. همچنین در رابطه با تاثیر غیر مستقیم این سیاست نیز این پژوهشگران نتیجه می‌گیرند که این مناطق از انباشتگی اقتصادی ناشی از این سیاست بهره‌منده شده‌اند به نحوی که برخلاف بخش کشاورزی در بخش صنعت پس از اتمام این سیاست حمایتی همچنان شاهد رشد اشتغال در بخش صنعت هستیم ولی آنها همچنین بیان می‌کنند که اثر سرریز مثبت ناشی از انباشتگی اقتصادی در این مناطق با تحمیل اثر سرریز منفی به سایر مناطق حاصل شده است و کل اقتصاد از انباشتگی اقتصادی در این مناطق منتفع نشده است.

ریتام چوری(2016) به بررسی سیاست تشویقی دولت هند در سال 2003 در قبال دو ایالت اوتاراکند[[27]](#footnote-28) و هیماچال[[28]](#footnote-29) به منظور افزایش سرمایه‌گذاری و اشتغال ، می‌پردازد و به این نتیجه می­رسد که این سیاست‌ها تاثیر بسزایی در افزایش اشتغال، تولید و سرمایه و تعداد شرکت‌ها در این ایالت‌ها داشته است و همچنین به این نتیجه می‌رسد که حقوق نیروی کار نیز افزایش داشته است ولی افزایش در هزینه اجاره مسکن آنها مشاهده نمی­کند و در نهایت این سیاست را در راستای بهبود رفاه افراد آن ایالات تلقی می­کند.

البته تمامی پژوهش­های صورت گرفته در این حوزه تاثیر این قبیل سیاست‌ها را مثبت تلقی نمی‌کنند به طور مثال نیومارک و سیمسون (2015) به بررسی پژوهش‌هایی که در این حوزه انجام شده است می­پردازند و در جمع بندیشان به اجماعی در رابطه با تاثیر این سیاست­ها بر پارامتر‌های اقتصادی دست نمی­یابند زیرا در برخی موارد این سیاست­ها منجر به ایجاد مشاغل و توسعه کسب و کار‌ها شده است و در برخی موارد اینگونه برداشت نمی­شود. این موجب می­شود تا جای خالی پژوهش‌هایی که بر پیامد­های غیر مستقیم این سیاست­ها متمرکز اند بیشتر حس شود، و شاید دلیل ناکامی برخی از این سیاست­ها را باید در پیامد­های غیر مستقیم آن مانند مهاجرت افراد جستجو کرد.

رادیکا منون[[29]](#footnote-30) (2019) در سدد پر کردن این جای خالی در ادبیات موضوع سیاست­های منطقه‌ای برمی­آید. در واقع در سال 1993 دولت هند برای حمایت از مناطق کم برخوردار سیاستی را اعمال می‌کند که به موجب آن شرکت­های تازه تاسیس در این مناطق مشمول معافیت‌های مالیاتی می‌شوند و منون(2019) به بررسی تاثیر این سیاست‌ها بر توسعه اقتصادی آن مناطق و همچنین تاثیر آن بر مهاجرت افراد به این مناطق می‌پردازد و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که شواهد نشان دهنده‌ی این است که این سیاست در نیل به اهدافش در زمینه توسعه کسب و کار و ایجاد شغل تا حدی موفق بوده است و همچنین تاثیر معنا‌داری بر ورود مهاجران بر مناطق مشمول این سیاست داشته است.

## 3-2- نتيجه‌گيري

به صورت کلی می­توان گفت عمده پژوهش‌های تجربی صورت گرفته در ادبیات موضوع سیاست‌های مبتنی بر مکان متمرکز بر ارزیابی عملکردی آنها است و پیامد­های غیر مستقیم این سیاست‌ها مانند مهاجرت مورد بررسی قرار نگرفته است (رادیکا منون 2019). همانطور که مبانی نظری بیان می‌کنند مهاجرت افراد به مناطق مورد حمایت دولت می­تواند این سیاست‌ها را در نیل به اهدافشان باز دارد و شاید اینکه در ارزیابی برخی از این سیاست‌ها تاثیر مثبتی در ایجاد اشتغال و ... مشاهده نمی‌شود ریشه در همین اثرات غیر مستقیم داشته باشد که پژوهشگران چندان به آن نپرداخته اند و جای خالی چنین پژوهش­هایی بیش از پیش احساس می‌شود.

|  |
| --- |
| : روش تحقيق |

## 1-3- مقدمه

در پژوهش‌های اقتصادی استقبال زیادی از متدولوژی تفاضل در تفاضل می‌شود. در واقع جذابیت این روش بدلیل سادگی آن و همچنین پتانسیل آن برای دور زدن بسیاری از مشکلات درونزایی است که معمولا هنگام مقایسه بین افراد ناهمگن ایجاد می‌شود.(برتراند و همکاران[[30]](#footnote-31) 2003)

می‌توان گفت پژوهش اسنو[[31]](#footnote-32) (1854) اولین مطالعه‌ی علمی بود که از این متدولوژی برای بررسی راه انتقال ویروس وبا استفاده کرد. در واقع این پژوهشگر در سدد پاسخ به این پرسش بود که آیا ویروس وبا از طریق آب آلوده منتقل می­شود یا هوای آلوده؟! برای پاسخ به این پرسش به بررسی تغییر منبع یک شرکت تامین کننده آب در منطقه‌ای در لندن در سال 1854 پرداخت و نشان داد افرادی که در این منطقه زندگی می‌کنند پس از تغییر منبع آب علی رغم اینکه در معرض هوای یکسانی قرار دارند نرخ مرگ و میر متفاوتی به سبب استفاده از منابع آب متفاوت دارند. درواقع نرخ مرگ و میر به دلیل وبا در افرادی که از منبع آب آلوده استفاده می‌کردند بیشتر از نرخ مرگ و میر افرادی بود که از منبع آب غیر آلوده استفاده می‌کردند.

پس از آن متدولوژی تفاضل درتفاضل در سایر علوم نیز مورد استفاده قرار گرفت. ظهور این متدولوژی در ادبیات اقتصادی را می‌توان به پژوهش اوبنار و نینبورگ[[32]](#footnote-33) ( 1915) نسبت داد. لستر[[33]](#footnote-34) (1946) نیز از دیگر پیشگامان استفاده از این متدولوژی در ادبیات اقتصادی بود.( لچنر، مایکل 2011 (

پس از آن در پژوهش‌های متعددی شاهد استفاده از این متدولوژی در پژوهش­های اقتصادی هستیم. پژوهش‌هایی که به بررسی تاثیر حداقل حقوق بر اشتغال نیروی کار می­پردازد ( به طور مثال کارد و کروگر 1994). پژوهش­هایی که به بررسی تاثیر مهارت آموزی بیکاران می‌پردازند (مانند اشنفلتر 1978، اشنفلترو کارد 1985، هکمن و هاتز 1989، هکمن و همکاران 1998، بلاندل و همکاران 2004) پژوهش‌هایی که به بررسی تاثیر ورود مهاجران بر بازار کار ( مانند کارد 1990) و یا تحلیل عرضه نیروی کار می‌پردازند ( مانند بلاندل و همکاران 1998). در ادامه چارپوب نظری این متدولوژی بررسی می­شود و محدودیت‌ها و سیر تکامل این متدولوژی تا سال 2021 به صورت مختصر بررسی می‌شود.

## 2-3- متدولوژی

### 1-2-3- مدل اولیه : روش تفاضل در تفاضل

فرض کنید که دو گروه زمانی داریم دوره زمانی قبل از اجرای سیاست و دوره زمانی بعد از اجرای سیاست که به ترتیب این دو دوره زمانی را t و t-1 می‌نامیم . همچنین فرض کنید که فقط دو گروه داریم گروه درمان و گروه کنترل. حال پیامد های بالقوه و بالفعل و سایر متغیر‌ها را به صورت زیر تعریف می‌کنیم.

برای پیامد بالقوه افراد در صورتی که تحت آزمایش قرار نگیرند را معادل و درصورتی که تحت آزمایش قرار بگیرند معادل تعریف می­کنیم . همچنین متغیر را متغیر دودویی تعریف می‌کنیم که مقدار1 آن نشان دهنده این است که در زمان s فرد i­ام مورد آزمایش قرار گرفته است و مقدار صفر آن نشان دهنده این است که در زمان s مورد آزمایش قرار نگرفته است.(مقدار برای تمامی مشاهدات صفر است زیرا در این دوره هیچ فردی تحت آزمایش قرار نگرفته است). حال با توجه به این تعاریف پیامد بالفعل افراد را می­توانیم به صورت زیر بنویسیم :

البته با علم به این موضوع که در دوره اول هیچ فردی مورد آزمایش قرار نمی گیرد معادله فوق را می توان به صورت زیر بازنویسی کرد.

با توجه به تعاریف فوق حال می­توان پارامتری که درسدد معرفی آن هستیم را به صورت زیر معرفی کنیم که به آن اصطلاحا متوسط اثر آزمایش بر گروه درمان می‌گویند :

در یک دنیای واقعی مقدار فوق را نمی‌توانیم حساب کنیم زیرا مقدار پیامد گروه درمان درصورتی که تحت درمان قرار نمی­گرفتند،، را نداریم. و برای تخمین متوسط اثر آزمایش برای گروه درمان فرض می‌کنیم که پیامد­های دو گروه درمان و کنترل در صورت عدم رخداد آزمایش روندی موازی دارد که این فرض به فرض روندهای موازی معروف است و به صورت زیر تعریف می‌شود :

حال در صورت برقراری این فرض می­توان متوسط اثر آزمایش بر گروه درمان را به صورت زیر محاسبه کرد.

علی رغم شهود ساده مدل ابتدایی متدولوژی تفاضل در تفاضل، در بسیاری از موارد نمی‌توان از این مدل ابتدایی استفاده کرد و همین موجب شده است که پژوهشگران زیادی به بسط و توسعه این متدولوژی بپردازند که از میان آنها می­توان به پژوهش­های هکمن و همکاران [[34]](#footnote-35)(1997و1998) آبادای[[35]](#footnote-36) (2005) آتی و ایمبنز [[36]](#footnote-37)(2006)، کیو این و ژانگ (2008)، بونهم و سادر(2011) ، دشایز مارتین و دهادلتف(2017)، بوتاسارو و کوتیرز(2017)، کالوی و همکاران[[37]](#footnote-38) (2018) و کالوی و همکاران (2021) اشاره کرد.

یکی از مواردی که استفاده از این مدل ابتدایی را دچار مشکل می‌کند. سیاست‌هایی است که در زمان‌های متفاوت اعمال می‌شوند و یا به تعبیری حالت‌هایی که بیش از 2 بازه زمانی داریم. که غالب سیاست­ها و یا مداخلاتی که توسط دولت­ها اعمال می‌شوند نیز از جنس همین موارد است. به طور مثال بیش از نیمی از مقالاتی که در سال­های 2014 - 2015 در مجلات AER، QJE و JPE منتشر شده­اند از متدولوژی تفاضل­در­تفاضل استفاده کرده‌اند و به ارزیابی سیاست‌هایی پرداخته­اند که در زمان‌های مختلفی اعمال شده‌اند. (کالوی و سنت آن 2021) در اینگونه موارد پژوهشگران برای ارزیابی این سیاست­ها و یا به تعبیری اندازه­گیری تاثیر آزمایش بر گروه درمان از مدلی استفاده می‌کنند که از آن به عنوان رگرسیون اثر ثابت دوطرفه یاد می‌شود.

### 2-2-3- مدل رگرسیون اثر ثابت دو طرفه

در این روش برای بدست آوردن متوسط اثر آزمایش بر گروه درمان، ATT، رگرسیونی به صورت زیر برآورد می­شود.

در معادله فوق اثر ثابت زمانی، اثر ثابت گروه­های درمانی است و متغیر دودویی است که تعریفی مشابه قبل دارد و نیز بیانگر متوسط اثر آزمایش بر گروه درمان است.

علی­رغم محبوبیت این رویکرد و استفاده زیاد از آن برای بررسی و ارزیابی سیاست‌های دولت­ها، اخیرا پژوهشگران زیادی نتایج حاصل از این روش را در معرض شک و تردید قرار داده­اند. که از میان آنها می­توان به پژوهش گودمن-بکن (2021) اشاره کرد. او در پژوهشش نشان می­دهد که مدل رگرسیون اثر ثابت دوطرفه در مواقعی که تاثیر آزمایش بر گروه­های مختلف درمان ناهمگن است تخمین‌گر مناسبی برای متوسط تاثیر آزمایش بر درمان نیست و نتایج آن تحت فروض زیادی نا‌اریب خواهند بود که در دنیای واقعی احتمال برقراری چنین فروضی بسیار پایین است.

اخیرا کالوی و سنت آن (2021) متدولوژی جامعی را معرفی کرده­اند که ایرادات متدولوژی قبلی را برطرف می­کند. این دو پژوهشگر از این متدولوژی تحت عنوان متوسط گروهی-زمانی تاثیرات آزمایش بر گروه درمان یاد می­کنند. به عبارتی ساده­تر این متدولوژی متوسط تاثیر آزمایش را برای گروه­هایی که در زمان­های مختلف تحت آزمایش قرار می‌گیرند به صورت مجزا محاسبه کرده و در نهایت به تجمیع این اثر‌های گروهی زمانی بسته به مسئله تحقیق می‌پردازد.

### 3-2-3- مدل نهایی : متوسط گروهی-زمانی تاثیرات آزمایش بر گروه درمان

فرض کنید T دوره زمانی داریم یا به عبارتی

را پیامد بالقوه فرد i ام در زمان t در صورتی که تحت آزمایش قرار نگیرد، تعریف می‌کنیم.

را پیامد بالقوه فرد i ام در زمان t در صورتی که در زمان g تحت آزمایش قرار بگیرد، تعریف می‌کنیم.

زمانی است که فرد i ام تحت آزمایش قرار می‌گیرد.

متغییر دودویی است که مقدار 1 آن متناظر با آن است که فرد iام هیچگاه تحت آزمایش قرار نمی‌گیرد و مقدار صفر آن متناظر با آن است که فرد i ام در یک بازه زمانی تحت آزمایش قرار می‌گیرد.

را نیز همانند قبل متغیری تعریف می‌کنیم که مقدار 1 آن متناظر با این است که فرد i ام در زمان t تحت آزمایش قرار می‌گیرد و مقدار صفر آن متناظر با این است که فرد i ام تحت آزمایش قرار نمی‌گیرد.

حال با توجه به متغیر­های تعریف شده پیامد­های بالفعل افراد را می­توان به صورت زیر نوشت

پیامد بالفعل برای مشاهداتی که هیچگاه تحت آزمایش قرار نمی­گیرند برابر است با :

پیامد بالفعل برای سایر مشاهدات برابر است با :

در این حالت فرض روند­های موازی به صورت زیر تعریف می­شود

درواقع عبارت فوق بسط یافته همان شرط روند‌های موازی در مدل ابتدایی دو دوره­ای است و بیان می‌کند که پیامد‌های مشاهداتی که در زمان g تحت آزمایش قرار گرفته‌اند در صورتی که تحت آزمایش قرار نمی‌گرفتند با پیامد مشاهداتی که هیچگاه تحت آزمایش قرار نگرفته‌اند در تمامی دوره‌های بعد از g روندی موازی داشته باشد.

در صورتی که این فرض برقرار باشد متوسط اثر آزمایش بر گروه درمان g در دوره t به صورت زیر تخمین زده می‌شود .

## 3-3- تعریف متغیر­ها و اجزا مدل

### 1-3-3- متغیر وابسته

در پژوهش حاضر به دنبال بررسی تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر مهاجرت‌های استانی هستیم و لذا متغیر وابسته در این پژوهش جریان‌های مختلف مهاجرت است که در سطح استان و شهرستان اندازه­گیری شده و خلاصه‌ای از آنها در جدول زیر آمده و در ادامه تعریف می‌شود .

جدول )‏3‑1: ( متغیر های مدل

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **متغیر های وابسته** | | | | | |
| **در سطح استان** | |  | **در سطح شهرستان** | | |
| Out\_Mig\_R | In\_Mig\_R |  | In\_Mig\_R\_T | In\_Mig\_R\_L | In\_Mig\_R\_S |
| Out\_Mig\_R\_E | In\_Mig\_R\_E |  | In\_Mig\_R\_TE | In\_Mig\_R\_LE | In\_Mig\_R\_SE |

* **متغیر­های وابسته در سطح استان** 
  + درصد مهاجران وارد شده به استان

مهاجران وارد شده به استان با توجه به پرسشنامه 2 طرح آمارگیری نیروی کار بدست می‌آید در واقع در این پرسشنامه از افرادی که کمتر از 1 سال در محل فعلی زندگیشان سکونت دارند مهاجر تلقی می‌شوند

* + درصد مهاجرانی که با انگیزه‌های اقتصادی وارد استان شده اند

مهاجرانی که انگیزه اقتصادی دارند با توجه به پرسشنامه طرح آمارگیری نیروی کار مشخص می‌شوند در واقع در این پرسشنامه دلیل مهاجرت افراد پرسیده می‌شود و افرادی که به دلیل جستجوی کار، جستجوی کار بهتر و یا انتقال اداری مهاجرت کرده‌اند به عنوان افرادی تلقی می‌شوند که با انگیزه اقتصادی مهاجرت می‌کنند.

* + درصد مهاجران خارج شده از استان

مهاجران خارج شده از استان با توجه به پرسشنامه 2 طرح آمارگیری نیروی کار مشخص می­شوند درواقع اطلاعات مربوط به محل اقامت قبلی مهاجران در این پرسشنامه موجود است و با استفاده از آن می‌توان تعداد مهاجران خارج شده از هر استان را بدست آورد.

* + درصد مهاجرانی که با انگیزه‌های اقتصادی از استان خارج شده اند

همانند تعداد مهاجرانی که با انگیزه­های اقتصادی وارد استان شده­اند تعداد مهاجرانی که با انگیزه­های اقتصادی از استان خارج شده­اند قابل محاسبه است.

* **متغیر های وابسته در سطح شهرستان**

متغیر­های وابسته در سطح شهرستان نیز همانند متغیر­های وابسته در سطح استان با توجه به اطلاعات موجود در پرسشنامه 2 طرح آمارگیری نیروی کار بدست می‌آیند. همچنین مهاجران دور آن دسته از افرادی تلقی می­شوند که از استانی دیگر وارد شهرستان شده­اند و مهاجران نزدیک آن دسته از افرادی تلقی می­شوند که از سایر شهرستان­های همان استان وارد شهرستان شده­اند.

* + درصد کل مهاجران وارد شده به شهرستان
  + درصد کل مهاجرانی که با انگیزه های اقتصادی وارد شهرستان شده اند
  + درصد کل مهاجرانی که از راه دور وارد شهرستان شده اند
  + درصد کل مهاجرانی که از راه دور و با انگیزه های اقتصادی وارد شهرستان شده اند
  + درصد مهاجرانی که از راه نزدیک وارد شهرستان شده اند
  + درصد مهاجرانی که از راه نزدیک و با انگیزه های اقتصادی وارد شهرستان شده اند.

### 2-3-3- گروه درمان و گروه کنترل

همانطور که پیش­تر مطرح شد 48 منطقه ویژه اقتصادی در سال 1389 تصویب شد که توزیع جغرافیایی این مناطق در تصویر زیر آمده است از میان این مناطق برخی از آنها بین سال­های 89 الی 98 شروع به فعالیت کرده‌اند و برخی دیگر هنوز فعال نشده­اند. در این پژوهش استان­هایی که تشکیل مناطق ویژه اقتصادی در آن­ها تصویب شده اما فعال نشده­اند به عنوان گروه کنترل در نظر گرفته می‌شوند و استان­هایی که در آن مناطق ویژه اقتصادی تصویب و فعال شده­اند به عنوان گروه درمان در نظر گرفته می­شود.

|  |  |
| --- | --- |
|  | |
| الف) مناطق ویژه اقتصادی فعال و غیر فعال | ب) مناطق ویژه اقتصادی مصوب |
| شکل )‏3‑1( :توزیع جغرافیای مناطق ویژه اقتصادی مصوب و فعال | |

### 3-3-3- زمان شروع به فعالیت مناطق ویژه اقتصادی

زمان شروع به فعالیت مناطق ویژه اقتصادی، زمان تاسیس اولین شرکت در این منطقه است . در واقع اطلاعات مشخصی از وضعیت فعالیت این مناطق در دسترس نیست به همین دلیل زمان تاسیس اولین شرکت در این مناطق با توجه به آگهی‌های روزنامه رسمی ملاک شروع به فعالیت این مناطق در نظر گرفته شده است. در جدول زیر زمان شروع به فعالیت این مناطق مشخص شده است که مشخص کننده پارامتر G مدل است.

جدول )‏3‑2( :زمان شروع به فعالیت مناطق ویژه اقتصادی

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| ردیف | منطقه ویژه اقتصادی | استان | شهرستان | زمان شروع به فعالیت |
| ١ | بندر امام خمینی | خوزستان | ماهشهر | ٨٩٠٣ |
| ٢ | فولاد اردکان | یزد | اردکان | ٩١٠٣ |
| ٣ | اسلام آباد غرب | کرمانشاه | اسلام آباد غرب | ٩١٠٣ |
| ٤ | دوغارون | خراسان رضوی | تایباد | ٩٢٠١ |
| ٥ | بجنورد | خراسان رضوی | بجنورد | ٩٢٠٢ |
| ٦ | سهلان | آذربایجان شرقی | تبریز | ٩٢٠٣ |
| ٧ | ایزوایکو | هرمزگان | بندرعباس | ٩٣٠٢ |
| ٨ | پارسیان | هرمزگان | بندر لنگه | ٩٣٠٢ |
| ٩ | لامرد | فارس | لامرد | ٩٣٠٢ |
| ١٠ | رفسنجان | کرمان | رفسنجان | ٩٣٠٣ |
| ١١ | شوش | خوزستان | شوش | ٩٣٠٣ |
| ١٢ | بیرجند | خراسان جنوبی | بیرجند | ٩٥٠١ |
| ١٣ | آستارا | گیلان | لاهیجان | ٩٥٠١ |
| ١٤ | گرمسار | سمنان | گرمسار | ٩٦٠٦ |
| ١٥ | دامغان | سمنان | دامغان | ٩٧٠٢ |

|  |
| --- |
| : تجزیه و تحلیل داده ها |

## 1-4- توصیف داده ها

در این پژوهش عمدتا از داده­های طرح آمارگیری نیروی کار استفاده شده است. طرح آمار­گیری نیروی کار توسط مرکز آمار ایران و با استفاده از توصیه‌های سازمان بین‌المللی نیروی کار به صورت نمونه‌ای و در هر فصل جمع‌آوری می‌شود. این طرح با هدف دستیابی به شاخص‌های فصلی و سالانه نیروی کار و تغییرات آن در سطح کل کشور و استان، از بهار سال 1384 تا کنون اجرا شده است و بخشی از نیاز‌های برنامه‌ریزی کشور در زمینه بازار کار را فراهم می‌نماید. این مجموعه داده حاوی اطلاعاتی در مورد ویژگی‌های اجتماعی خانوار و همچنین اطلاعات شغلی آنها می‌باشد .

ویژگی­های اجتماعی مشخص کننده جنسیت، سن، ملیت، وضع اقامت، وضع سواد، سطح تحصیلات و وضعیت زناشویی افراد است و اطلاعات شغلی افراد نیز مشخص کننده وضعیت اشتغال، طبقه بندی شغل و فعالیت محل کار و سایر اطلاعاتی است که می­توان به نوعی وضعیت شغلی افراد را از نظر کیفی و کمی مورد بررسی قرار داد . در پژوهش حاضر اصلاعات مربوط به مهاجران وارد شده و خارج شده از استان­ها ، شاخص­های بازار کار در سطح استان‌ها و جمعیت مهاجران وارد شده به شهرستان­ها به تفکیک مهاجران از راه دور و نزدیک با استفاده از داده­ها محاسبه شده است که در جدول زیر خلاصه از این متغیرها آورده شده است.

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| حداکثر | حداقل | انحراف معیار | میانگین | تعداد مشاهدات | توضیحات | متغیر |
| ١٦.٦٦ | ٠.٤٢ | ٢.٦٤ | ٢.٤٧ | ٤٥٠ | جمعیت (میلیون نفر) | Pop |
| ٤٨.٦٢ | ٢٦.٠٦ | ٣.٦٠ | ٣٨.٥١ | ٤٥٠ | نرخ مشارکت(درصد) | PR\_T |
| ٤٦.٠٢ | ٢٣.٤٧ | ٣.٤٦ | ٣٤.١٠ | ٤٥٠ | نسب تعدا شاغالین به جمعیت در سن کار(درصد) | E\_Pop\_T |
| ٢٢.٠٣ | ٥.١٧ | ٢.٨٦ | ١١.٤٨ | ٤٥٠ | نرخ بیکاری(درصد) | UMPR\_T |
| ٩٥.٨٧ | ٤٥.٠٠ | ١١.٩٩ | ٦٦.٤٦ | ٤٥٠ | درصد شهر نشینی(درصد) | Urban\_R |
| ٥.٠٠ | ٠.٠٠ | ٠.٩٣ | ١.٦٧ | ٤٥٠ | درصد کل مهاجران وارد شده به استان | In\_Mig\_R |
| ٣.٢٢ | ٠.٠٠ | ٠.٥٦ | ٠.٧٨ | ٤٥٠ | درصد مهاجران وارد شده به استان به دلایل اقتصادی | In\_Mig\_R\_E |
| ٩.٠٦ | ٠.٠٩ | ١.١٩ | ١.٩٢ | ٤٥٠ | درصد کل مهاجران خارج شده از استان | Out\_Mig\_R |
| ٦.٧٥ | ٠.٠١ | ٠.٨٦ | ١.٠٥ | ٤١٠ | درصد مهاجران خارج شده از استان به دلایل اقتصادی | Out\_Mig\_R\_E |

همانطور که در جدول 2 مشاهده می­شود به طور متوسط بین سال­های 1384 الی 1398 به طور متوسط سالانه حدود 0.87 درصد از خانوار­ها بین استان­های مختلق کشور مهاجرت می­کنند که از میان آن­ها به طور متوسط 54 درصدشان با انگیزه­های اقتصادی مهاجرت می­کنند این موضوع را به نحوی می­توان در شکل 1 جستجو کرد.

|  |  |
| --- | --- |
|  | |
| الف) مهاجران خارج شده از استان | ب) مهاجران وارد شده به استان |
| شکل )‏4‑1: ( همبستگی نرخ بیکاری با درصد مهاجران وارد شده و خارج شده از استان | |

درصورتی که درصد قابل توجهی از افراد به دلایل اقتصادی مهاجرت کنند انتظار داریم جریان مهاجران خارج شده از استان با بدتر شدن وضعیت اقتصادی آن استان بیشتر شده و برعکس جریان مهاجران وارد شده به استان با بدتر شدن وضعیت اقتصادی آن استان کمتر شود. که شکل فوق گویای همین موضوع است. همانطور که مشاهده می­کنید با افزایش نرخ بیکاری درصد مهاجران خارج شده از استان افزایش یافته و درصد مهاجران وارد شده به استان کاهش می­یابد.

البته همانطور که در ادبیات موضوع مهاجرت­های درون مرزی مطرح شد، صرف انگیزه‌های اقتصادی شکل­دهنده جریان‌های مهاجرت نیستند بلکه انگیزه­های غیر اقتصادی مانند زندگی در مکانی خوش آب و هوا­تر نیز می‌تواند جریان‌های مهاجرت را در کشور شکل دهد که این موضوع را به نحوی می­توان در شکل 2 مشاهده کرد. به طور مثال برایند ورود و خروج کل مهاجران به استان یزد نشان دهنده‌ی این است که به طور خالص سالانه درصد اندکی از جمعیت این استان از آن مهاجرت می‌کنند ولی برایند ورود و خروج مهاجران با انگیزه های اقتصادی در این استان حاکی از آن است که سالانه به طور خالص مهاجرانی وارد این استان می­شوند که این موضوع نشان دهنده­ی این است که قسمت عمده جریان مهاجرت در این استان از انگیزه های غیر اقتصادی سرچشمه می­گیرد.

|  |  |
| --- | --- |
|  | |
| الف) درصد مهاجران وارد و خارج شده با انگیزه های اقتصادی | ب) درصد کل مهاجران وارد و خارج شده از استان |
| شکل )‏4‑2: ( درصد مهاجران وارد و خارج شده از استان | |

همانطور که در نمودار­ها و جداول فوق آورده شده است در کشورمان مهاجرت با انگیزه­های مختلفی صورت می­گیرد و استان­ها نیز از این حیث متفاوت­اند، در برخی از آنها عمده مهاجران انگیزه اقتصادی دارند و در برخی دیگر عمده مهاجران انگیزه غیر اقتصادی دارند و این موضوع ما را برآن داشته است تا جریان­های مهاجرت را به جریان­های مهاجرت اقتصادی و کل جریان مهاجرت تفکیک کنیم . زیرا ایجاد مناطق ویژه اقتصادی بر وضعیت اقتصادی استان­ها تاثیر می‌گذارد و طبیعتا این سیاست بر جریانی از مهاجرت اثر گذار است که انگیزه اقتصادی دارند .

## 2-4- نتایج

### 1-2-4-تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر جریان­های مهاجرت در سطح استان

#### 1-1-2-4- جریان مهاجران وارد شده به استان

* **کل مهاجران**

جدول )‏4‑1 : (تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر مهاجران وارد شده به استان

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ATT's based on group/cohort aggregation | | | | | | | |
| Overal ATT | | Y= log(Total Migrant) | | | | | |
| (1) | (2) | (3) | (4) | (5) | (6) |
| **0.1119** | **0.1261** | **0.054** | **0.1419** | **0.1438** | **0.0948** |
| (0.1967) | (0.1718) | (0.1941) | (0.1786) | (0.1764) | (0.1886) |
| Province | Year | Group ATT | Group ATT | Group ATT | Group ATT | Group ATT | Group ATT |
| Khuzestan | 89 | -1.2691 | -1.2443 | -1.3874 | -1.0819 | -1.1192\* | -1.148 |
|  |  | (0.8461) | (0.5522) | (1.0507) | (0.6867) | (0.4631) | (0.8264) |
| Kermanshah, Yazd | 91 | 0.5962\* | 0.6133\* | 0.5344\* | 0.6045\* | 0.6256\* | 0.5487\* |
|  |  | (0.1701) | (0.1531) | (0.1587) | (0.1561) | (0.1472) | (0.1609) |
| East Azerbaijan, Razavi Khorasan | 92 | -0.4539 | -0.4454 | -0.5505 | -0.4472 | -0.4427 | -0.5339 |
|  | (0.5323) | (0.5148) | (0.5379) | (0.5297) | (0.4742) | (0.4948) |
| Fars, Hormozgan,  Kerman | 93 | 0.49 | 0.4559 | 0.4358 | 0.5323 | 0.4785 | 0.4903 |
|  | (0.4902) | (0.5024) | (0.4521) | (0.5006) | (0.4961) | (0.4902) |
| Gilan, South Khorasan | 95 | 0.3497\* | 0.3812 | 0.333 | 0.3431 | 0.3669\* | 0.3249 |
|  | (0.1553) | (0.1874) | (0.1847) | (0.1623) | (0.172) | (0.1786) |
| Semnan | 96 | 0.0454 | 0.1659\* | 0.04 | 0.0454 | 0.1659\* | 0.04 |
|  |  | (0.1044) | (0.0276) | (0.135) | (0.1076) | (0.027) | (0.14) |
| N | | 375 | 375 | 330 | 375 | 375 | 330 |
| X = Log(Pop) | | No | Yes | No | No | Yes | No |
| Matched | | No | No | Yes | No | No | Yes |
| Control Group: | | Never T | Never T | Never T | Not Yet T | Not Yet T | Not Yet T |
| Estimation Method: | | Doubly Robust | | | | | |
| Discription : Standard error in parentheses , \* P-value < 0.05 | | | | | | | |

در جدول 4-1 تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر جریان کل مهاجران وارد شده به استان مورد بررسی قرار گرفته است. در سه ستون اول گروه کنترل استان‌هایی در نظر گرفته شده­اند که در آنها مناطق ویژه اقتصادی فعال نشده­اند. در سه ستون دوم علاوه بر استان­های فاقد منطقه ویژه اقتصادی فعال، استان‌هایی که در سال مورد بررسی هنوز منطقه ویژه اقتصادی در آنها فعال نشده­اند نیز به عنوان گروه کنترل در نظر گرفته می‌شوند. به عنوان مثال برای بررسی تاثیر منطقه ویژه اقتصادی بندر امام بر جریان وارد شده به استان خوزستان دو نوع گروه کنترل می­توان تعریف کرد. در یک حالت صرفا استان‌های فاقد منطقه ویژه فعال را به عنوان گروه کنترل در نظر می‌گیریم و در حالت دیگر علاوه بر استان‌های حالت اول سایر استان­هایی که تا سال 89 هنوز منطقه ویژه‌اشان شروع به فعالیت نکرده است را به عنوان گروه کنترل در نظر می‌گیریم.

در جدول 4-1 ستون‌های 3 و 6 ابتدا گروه‌های درمان و کنترل بر اساس متغیر­های لگاریتم جمعیت جوان (25-39 ساله)، لگاریتم جمعیت غیر ایرانی و لگاریتم جمعیت شهر نشین، تطابق داده شده و سپس تخمین‌ها براساس داده‌های تطبیق شده صورت گرفته است . همچنین در ستون­های 2 و 5 متغیر لگاریتم جمعیت در مدل کنترل شده است.

همانطور که از نتایج برمی­آید به صورت کلی مناطق ویژه اقتصادی تاثیر معناداری بر کل جریان وارد شده به استان­ها نداشته است. هرچند که برای دو استان یزد و کرمانشاه شاهد تاثیر مثبت و معنادار این مناطق بر جریان مهاجر وارد شده به استان هستیم ولی این تاثیر به گونه­ای نیست که در کل تاثیر این مناطق بر مهاجران وارد شده به استان‌ها را معنی­دار تلقی کنیم. البته لازم به ذکر است داده‌های طرح آمارگیری نیروی کار در سطح استان همراه با خطا است و همچنین به دلیل محدودیت زمان و عدم دسترسی به متغیر‌های آب و هوایی و کنترل نکردن آنها در مدل خطاهایی را در تخمین­های ارائه شده ایجاد می‌کند و با اطلاعات فعلی و عدم اصلاح وزن داده­های طرح آمارگیری نیروی کار در سطح استان نمی­توان به طور قطع تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر مهاجرت­های استانی را بی­معنی دانست .

* **مهاجران وارد شده با انگیزه­های اقتصادی**

جدول )‏4‑2: ( تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر جریان مهاجر خارج شده از استان

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ATT's based on group/cohort aggregation | | | | | | | |
| Overal ATT | | Y = log(Economic Migrant) | | | | | |
| (1) | (2) | (3) | (4) | (5) | (6) |
| **0.3107** | **0.3775** | **0.2623** | **0.3565** | **0.4072** | **0.3221** |
| (0.2783) | (0.2507) | (0.2927) | (0.2797) | (0.2791) | (0.3257) |
| Province | Year | Group ATT | Group ATT | Group ATT | Group ATT | Group ATT | Group ATT |
| Khuzestan | 89 | -1.7162\* | -1.8239\* | -1.786 | -1.4878\* | -1.6573\* | -1.5104 |
|  |  | (0.7295) | (0.4919) | (0.9413) | (0.6317) | (0.4264) | (0.7716) |
| Kermanshah, Yazd | 91 | 1.0338\* | 1.0934\* | 0.9541\* | 1.0449\* | 1.0949\* | 0.9743\* |
|  |  | (0.2461) | (0.1716) | (0.2805) | (0.2077) | (0.163) | (0.2409) |
| East Azerbaijan, Razavi Khorasan | 92 | -0.1188 | 0.1851 | -0.3032 | -0.0437 | 0.2404 | -0.1917 |
|  | (0.7157) | (0.4472) | (0.7095) | (0.7045) | (0.608) | (0.6875) |
| Fars, Hormozgan,  Kerman | 93 | 0.9901 | 0.9638 | 1.0138 | 1.023 | 0.9797 | 1.0508 |
|  | (0.8461) | (0.8281) | (0.8427) | (0.8251) | (0.8193) | (0.8365) |
| Gilan, South Khorasan | 95 | 0.1119 | 0.1466 | 0.0944 | 0.114 | 0.1463 | 0.0979 |
|  | (0.3309) | (0.374) | (0.4244) | (0.3139) | (0.3661) | (0.4059) |
| Semnan | 96 | 0.1096 | 0.2343\* | 0.1395 | 0.1096 | 0.2343\* | 0.1395 |
|  |  | (0.1495) | (0.0231) | (0.1886) | (0.1461) | (0.0233) | (0.1898) |
| N | | 375 | 375 | 330 | 375 | 375 | 330 |
| X = Log(Pop) | | No | Yes | No | No | Yes | No |
| Matched | | No | No | Yes | No | No | Yes |
| Control Group: | | Never T | Never T | Never T | Not Yet T | Not Yet T | Not Yet T |
| Estimation Method: | | Doubly Robust | | | | | |
| Discription : Standard error in parentheses , \* P-value < 0.05 | | | | | | | |

همانند قبل در سه ستون اول استان­های فاقد منطقه ویژه اقتصادی فعال به عنوان گروه کنترل در نظر گرفته شده­اند و در سه ستون دوم استان هایی که در سال مورد بررسی هنوز مناطق ویژه فعالی ندارند به عنوان گروه کنترل در نظر گرفته شده اند.

همانند قبل به صورت کلی مناطق ویژه اقتصادی تاثیر معناداری بر مهاجرین اقتصادی وارد شده به استان نداشته است. البته این مناطق تاثیر معناداری بر مهاجرین اقتصادی وارد شده به استان­های یزد و کرمانشاه دارد و در مقایسه با کل مهاجران وارد شده با این استان­ها شاهد تاثیر بیشتر مناطق ویژه اقتصادی بر مهاجران اقتصادی به این استان­ها هستیم که چنین نتیجه­ای قابل انتظار است . اما در مورد استان خوزستان همانطور که در جدول 4-2 مشاهده می­شود تاثیر این مناطق بر مهاجران اقتصادی وارد شده به استان منفی و معنی­دار تخمین زده شده است که نتیجه­ای خلاف انتطار ماست و از آنجایی که استان خوزستان چند سالی است که درگیر وضعیت نامناسب آب­و­هوایی است. در نتیجه کنترل کردن متغیر­های آب­و­هوایی بیش از پیش در بررسی پدیده مهاجرات­های استانی حس می­شود که به دلیل عدم دسترسی به این داده­ها و ذیغ وقت در این پژوهش از کنترل کردن آن صرف نظر شده است و همین موجب می­شود که نتوان به طور قطع در مورد تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر مهاجرات­های استانی به استناد این نتایج نظر داد.

#### 2-1-2-4- جریان مهاجران خارج شده از استان

* **کل مهاجران خارج شده از استان**

تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر کل مهاجران خارج شده از استان در جدول 4-3 آورده شده است . انتظار داریم تشکیل مناطق ویژه اقتصادی در یک استان با مزایای اقتصادی و غیر اقتصادی که با خود به همراه می­آورد مانع از خروج مهاجران از یک استان شود ولی نتایج ارائه شده در این جدول مطابق انتطار ما نیست .

به صورت کلی تاثیر این مناطق بر کل مهاجران خارج شده از استان بی­معنی است و برای اکثر استان­هایی که منطقه ویژه اقتصادی در آنها فعال شده­اند نیز این نتیجه قابل تعمیم است بجز استان­های گیلان و خراسان جنوبی که ما شاهد نتیجه خلاف انتظارمان هستیم . در واقع این نتایج بیانگر این است که فعالیت مناطق ویژه اقتصادی در این دو استان به صورت کلی باعث افزایش خروج مهاجران از این دو استان شده است. استان خراسان جنوبی نیز جز استان­های خشک و کم بارش ایران محسوب می­شود و شاید بدتر شدن وضعیت آب­وهوایی در این استان به گونه­ای بوده است که مهاجران صرف نظر از مزایایی که مناطق ویژه اقتصادی می­تواند به همراه داشته باشد تصمیم به خروج از این استان را گرفته­اند. اما در مورد استان گیلان نمی­توان چنین ادعایی کرد .

جدول )‏4‑3 : (تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر کل مهاجران خارج شده از استان

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ATT's based on group/cohort aggregation | | | | | | | |
| Overal ATT | | Y= log(Total Migrant) | | | | | |
| (1) | (2) | (3) | (4) | (5) | (6) |
| **0.0657** | **0.1741** | **0.078** | **0.067** | **0.1784** | **0.083** |
| (0.1042) | (0.0944) | (0.1249) | (0.1064) | (0.0928) | (0.1204) |
| Province | Year | Group ATT | Group ATT | Group ATT | Group ATT | Group ATT | Group ATT |
| Khuzestan | 89 | -0.2185 | -0.098 | -0.2455 | -0.1823 | -0.0799 | -0.198 |
|  |  | (0.1874) | (0.112) | (0.2363) | (0.16) | (0.0854) | (0.2106) |
| Kermanshah, Yazd | 91 | 0.0872 | 0.1171 | 0.092 | 0.0877 | 0.1101 | 0.0918 |
|  |  | (0.1732) | (0.2032) | (0.1755) | (0.1674) | (0.2009) | (0.1654) |
| East Azerbaijan, Razavi Khorasan | 92 | 0.2372 | 0.3634 | 0.1432 | 0.1688 | 0.3391 | 0.0768 |
|  | (0.2528) | (0.2313) | (0.2796) | (0.2401) | (0.2292) | (0.265) |
| Fars, Hormozgan,  Kerman | 93 | -0.1658 | -0.1527 | -0.1465 | -0.1227 | -0.1232 | -0.0921 |
|  | (0.1767) | (0.2185) | (0.2172) | (0.2066) | (0.2219) | (0.2112) |
| Gilan, South Khorasan | 95 | 0.53 | 0.4808\* | 0.6426\* | 0.5222 | 0.4829\* | 0.6315\* |
|  | (0.2543) | (0.1795) | (0.2444) | (0.2469) | (0.2007) | (0.2442) |
| Semnan | 96 | -0.2699 | 0.548\* | -0.213 | -0.2699 | 0.548\* | -0.213 |
|  |  | (0.1441) | (0.0474) | (0.1692) | (0.1408) | (0.0477) | (0.1757) |
| N | | 375 | 375 | 330 | 375 | 375 | 330 |
| X = Log(Pop) | | No | Yes | No | No | Yes | No |
| Matched | | No | No | Yes | No | No | Yes |
| Control Group: | | Never | Never | Never | Not Yet | Not Yet | Not Yet |
| Estimation Method: | | Doubly Robust | | | | | |
| Discription : Standard error in parentheses , \* P-value < 0.05 | | | | | | | |

* **مهاجران اقتصادی خارج شده از استان**

جدول )‏4‑4: ( تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر مهاجران اقتصادی خارج شده از استان

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ATT's based on group/cohort aggregation | | | | | | | |
| Overal ATT | | Y = log(Economic Migrant) | | | | | |
| (1) | (2) | (3) | (4) | (5) | (6) |
| **-0.9628\*** | **-0.7404** | **-0.9075\*** | **-0.9999\*** | **-0.7234** | **-0.9643\*** |
| (0.3485) | (0.4639) | (0.3474) | (0.3119) | (0.4331) | (0.3617) |
| Province | Year | Group ATT | Group ATT | Group ATT | Group ATT | Group ATT | Group ATT |
| Khuzestan | 89 | -3.0984\* | -5.9486\* | -2.1697 | -2.851\* | -5.417\* | -2.0833 |
|  |  | (1.1299) | (1.3209) | (1.0528) | (0.9807) | (1.166) | (0.9581) |
| Kermanshah, Yazd | 91 | -0.5347 | -1.0087 | -0.7292 | -0.77 | -1.1439 | -0.9752 |
|  |  | (0.9267) | (1.5937) | (1.1922) | (0.7936) | (1.2946) | (0.9104) |
| East Azerbaijan, Razavi Khorasan | 92 | -2.6977 | -0.5435 | -2.6708 | -2.8517\* | -0.5568 | -2.8601\* |
|  | (1.2296) | (0.514) | (1.3116) | (1.0836) | (0.4599) | (1.197) |
| Fars, Hormozgan,  Kerman | 93 | -0.2676 | -0.269 | -0.3264 | -0.2061 | -0.2376 | -0.241 |
|  | (0.4193) | (0.4594) | (0.451) | (0.4258) | (0.4516) | (0.4151) |
| Gilan, South Khorasan | 95 | 0.8794 | 0.8923 | 1.1246\* | 0.8487 | 0.8212 | 1.0765\* |
|  | (0.3954) | (0.4263) | (0.4035) | (0.3842) | (0.3754) | (0.3794) |
| Semnan | 96 | -1.9837 | -0.0688 | -2.2831 | -1.9837 | -0.0688 | -2.2831 |
|  |  | (0.9968) | (0.4432) | (1.2032) | (0.9912) | (0.4609) | (1.2741) |
| N | | 375 | 375 | 330 | 375 | 375 | 330 |
| X = Log(Pop) | | No | Yes | No | No | Yes | No |
| Matched | | No | No | Yes | No | No | Yes |
| Control Group: | | Never | Never | Never | Not Yet | Not Yet | Not Yet |
| Estimation Method: | | Doubly Robust | | | | | |
| Discription : Standard error in parentheses , \* P-value < 0.05 | | | | | | | |
|  |  |  |  |  |  |  |  |

### 2-2-4- تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر جریان های مهاجرت در سطح شهرستان

در این بخش به بررسی تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر جریان مهاجران وارد شده به شهرستان می­پردازیم و برای اینکار به بررسی تاثیر این مناطق برجریان­های مهاجرت به تفکیک زیر می­پردازیم.

* **کل ( مجموع مهاجران از راه دور یا نزدیک) مهاجران وارد شده به شهرستان**
  + کل مهاجران
  + مهاجران اقتصادی
* **مهاجران وارد شده به استان از راه دور**
  + کل مهاجران
  + مهاجران اقتصادی
* **مهاجران وارد شده به استان از راه نزدیک** 
  + کل مهاجران
  + مهاجران اقتصادی

در واقع افراد ساکن در یک استان برای بهرمندی از مزایای اقتصادی حاصل شده از فعالیت مناطق ویژه اقتصادی انگیزه کمتری برای مهاجرت به شهرستانی را دارند که در آن منطقه ویژه اقتصادی تاسیس شده است زیرا با سکونت در مکان فعلی زندگیشان می­توانند از مزایای شهرستان­های مجاورشان منتفع شوند ولی افراد سایر استان­ها برای منتفع شدن از این مزایا انگیزه بیشتری برای مهاجرت به شهرستانی را دارند که در آن منطقه ویژه اقتصادی تاسیس شده است . به همین دلیل جریان­های مهاجرت بدین صورت تفکیک شده است.

#### 1-2-2-4- کل جریان مهاجر وارد شده به استان

* **کل مهاجران**

جدول )‏4‑5 : (­تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر کل مهاجران وارد شده به شهرستان

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ATT's based on group/cohort aggregation | | | | | | | |
| Overal ATT | | Y= log(Total Migrant) | | | | | |
| (1) | (2) | (3) | (4) | (5) | (6) |
| **-0.4498** | **-0.4272** | **-0.7463** | **-0.4549** | **-0.4156** | **-0.7132** |
| (0.3183) | (0.3265) | 0.4609 | (0.3084) | (0.3147) | (0.426) |
| Counties | Year | Estimate | Estimate | Estimate | Estimate | Estimate | Estimate |
| Mahshahr | 89 | -0.5826 | -0.461 | -0.932 | -0.5804 | -0.4898 | -0.8689 |
|  |  | (0.339) | (0.3246) | 0.6731 | (0.3021) | (0.294) | (0.5568) |
| Eslamabad-e Gharb, Ardekan | 91 | 0.5994 | 0.4587 | -0.0163 | 0.6068 | 0.4786 | 0.0963 |
|  | (0.479) | (0.6265) | 0.6644 | (0.4365) | (0.6523) | (0.6343) |
| Tabriz, Bojnurd, Taybad | 92 | -0.1215 | 0.1186 | -0.5828 | -0.1826 | 0.111 | -0.645 |
|  | (0.6562) | (0.5276) | 0.8882 | (0.6455) | (0.4799) | (0.8459) |
| Lamerd, Rafsanjan, Bandar-Lengeh | 93 | -2.7926\* | -2.898\* | -3.119\* | -2.754\* | -2.8436\* | -2.9915\* |
|  | (0.8737) | (1.0159) | 0.9998 | (0.8521) | (0.975) | (1.0205) |
| Lahijan, Birjand | 95 | 0.6104 | 0.5881 | 0.787 | 0.5908 | 0.5722 | 0.7291 |
|  |  | (0.3315) | (0.3265) | 0.4336 | (0.3026) | (0.3273) | (0.3799) |
| Garmsar | 96 | -0.6075 | -0.557 | -0.8585 | -0.584 | -0.5251 | -0.7973 |
|  |  | (0.4321) | (0.5026) | 0.8403 | (0.4189) | (0.4982) | (0.8565) |
| Damghan | 97 | 1.6657\* | 1.7085\* | 1.6529 | 1.6657\* | 1.7085\* | 1.6529 |
|  |  | (0.3908) | (0.2476) | 1.1224 | (0.3792) | (0.2407) | (0.8231) |
| N | | 675 | 675 | 390 | 675 | 675 | 390 |
| X = Log(Pop) | | No | Yes | No | No | Yes | No |
| Matched | | No | No | Yes | No | No | Yes |
| Control Group: | | Never T | Never T | Never T | Not Yet T | Not Yet T | Not Yet T |
| Estimation Method: | | Doubly Robust | | | | | |
| Discription : Standard error in parentheses , \* P-value < 0.05 | | | | | | | |

همانطور که در جدول 4-5 مشاهده می­شود مناطق ویژه اقتصادی در اکثر شهرستان­های دارای این مناطق تاثیر معنی­داری بر جریان مهاجر وارد شده به این شهرستان­ها­ ندارد. مگر در برخی از شهرستان­ها مانند لامرد، رفسنجان و بندر لنگه این تاثیر منفی و از لحاظ آماری معنی­دار است که چنین نتیجه­ای همسو با انتظارات ما نیست و شاید نشان از این باشد که علی رغم بهبود شرایط اقتصادی به سبب فعالیت مناطق ویژه اقتصادی همزمان سایر عوامل به نحوی تغییر کرده­اند که جریان­های مهاجر وارد شده به استان کاهش یافته است که یکی از این عوامل می­تواند تغییرات اقلیم باشد که به دلیل عدم دسترسی به داده­های آن، در این پژوهش تاثیر چنین عاملی کنترل نشده است. راهکاری که می­تواند در این زمینه موثر واقع شود این است که از میان مهاجران آنهایی را مورد بررسی قرار دهیم که با انگیزه­های اقتصادی مهاجرت می­کنند که در ادامه به بررسی این دسته از مهاجران می­پردازیم.

* **مهاجران اقتصادی**

جدول )‏4‑6: ( تاثیر مناطق ویژه اقتصادی به کل مهاجران اقتصادی وارد شده به شهرستان

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ATT's based on group/cohort aggregation | | | | | | | |
| Overal ATT | | Y = log(Economic Migrant) | | | | | |
| (1) | (2) | (3) | (4) | (5) | (6) |
| **0.8583** | **0.862** | **0.9018** | **0.9049** | **0.9196** | **1.0251** |
| (0.6059) | (0.6004) | 0.787 | (0.6607) | (0.6102) | (0.7659) |
| Counties | Year | Estimate | Estimate | Estimate | Estimate | Estimate | Estimate |
| Mahshahr | 89 | -4.7747\* | -4.9202\* | -4.6787\* | -4.7793\* | -4.9375\* | -4.6883\* |
|  |  | (0.4279) | (0.3369) | 0.7789 | (0.3827) | (0.3411) | (0.6414) |
| Eslamabad-e Gharb,  Ardekan | 91 | -0.6909 | -1.0749 | -1.2492 | -0.5016 | -0.8485 | -0.7355 |
|  | (1.151) | (1.5797) | 1.5479 | (1.0897) | (1.7853) | (1.369) |
| Tabriz, Bojnurd, Taybad | 92 | 1.93 | 2.2485 | 2.1821 | 1.9202 | 2.2437 | 2.1441 |
|  | (1.9128) | (1.9502) | 2.2242 | (2.0256) | (2.0817) | (2.0987) |
| Lamerd, Rafsanjan, Bandar-Lengeh | 93 | 0.8082 | 0.6874 | 0.6285 | 0.8302 | 0.7326 | 0.7276 |
|  | (1.274) | (1.3044) | 1.5136 | (1.3456) | (1.3067) | (1.3911) |
| Lahijan, Birjand | 95 | 0.9589 | 1.0661 | 1.6198 | 1.0177 | 1.1095 | 1.7235 |
|  |  | (1.6894) | (1.6163) | 1.8451 | (1.7115) | (1.6102) | (1.9933) |
| Garmsar | 96 | -0.9267 | -0.7605 | -1.1427 | -0.8483 | -0.6557 | -0.9486 |
|  |  | (0.68) | (0.6626) | 1.5052 | (0.657) | (0.6003) | (1.4277) |
| Damghan | 97 | 8.1083\* | 8.0971\* | 8.3725\* | 8.1083\* | 8.0971\* | 8.3725\* |
|  |  | (0.5183) | (0.3597) | 1.2154 | (0.5334) | (0.3636) | (1.1298) |
| N | | 675 | 675 | 390 | 675 | 675 | 390 |
| X = Log(Pop) | | No | Yes | No | No | Yes | No |
| Matched | | No | No | Yes | No | No | Yes |
| Control Group: | | Never T | Never T | Never T | Not Yet T | Not Yet T | Not Yet T |
| Estimation Method: | | Doubly Robust | | | | | |
| Discription : Standard error in parentheses , \* P-value < 0.05 | | | | | | | |

همانطور که در جدول 4-6 مشاهده می­شود دیگر تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر شهرستان­های لامرد، رفسنجان و بندرلنگه منفی و معنی دار نیست بلکه مثبت و بی­معنی است. تاثیر منطقه ویژه در شهرستان دامغان نیز مثبت و از لحاظ آماری معنی­دار است، اما شاهد این هستیم که در این حالت علی­رغم اینکه صرفا مهاجران اقتصادی را در نظر گرفتیم تاثیر منطقه ویژه بندر امام بر شهرستان ماهشهر منفی و معنی دار است . فرضیه­ای که می­تواند ظهور چنین نتیجه­ای را توجیح کند این است که هم زمان با شروع به فعالیت منطقه ویژه اقتصادی در این شهرستان وضعیت اقلیمی که بگونه­ای بدتر شده است که افراد شاغل در بخش کشاورزی بیکار و مجبور به مهاجرت به دلایل اقتصادی شده­اند. بنابراین برای با محدود شدن به مهاجران اقتصادی نیز نمی­توان از کنترل کردن متغیر­های آب و هوایی صرف نظر کرد.

#### 2-2-2-4- مهاجران وارد شده به شهرستان از همان استان

* **کل مهاجران**

جدول )‏4‑7: ( تاثیر مناطق ویژه اقتصادی به کل مهاجران وارد شده به شهرستان از همان استان

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ATT's based on group/cohort aggregation | | | | | | | |
| Overal ATT | | Y= log(Short Distance Migrant) | | | | | |
| (1) | (2) | (3) | (4) | (5) | (6) |
| **0.0676** | **0.1642** | **-0.2029** | **0.0983** | **0.1783** | **-9.11E-02** |
| (0.5193) | (0.5184) | (0.6348) | (0.5155) | (0.5178) | (0.6376) |
| Counties | Year | Estimate | Estimate | Estimate | Estimate | Estimate | Estimate |
| Mahshahr | 89 | -1.2265 | -0.9946 | -1.4485 | -1.1304\* | -1.0558 | -1.2402 |
|  |  | (0.5777) | (0.5959) | (0.9561) | (0.4858) | (0.5592) | (0.7352) |
| Eslamabad-e Gharb, Ardekan | 91 | 3.491 | 3.5257 | 2.7795 | 3.549 | 3.6126 | 3.0109 |
|  | (1.6314) | (1.5682) | (1.9066) | (2.0093) | (1.6924) | (1.7041) |
| Tabriz, Bojnurd, Taybad | 92 | 0.0089 | 0.2709 | -0.6652 | 0.0488 | 0.2589 | -0.4764 |
|  | (0.9645) | (0.8964) | (1.3327) | (0.8723) | (0.857) | (1.218) |
| Lamerd, Rafsanjan, Bandar-Lengeh | 93 | -1.0111 | -0.9622 | -1.3246 | -0.9445 | -0.8993 | -1.1332 |
|  | (1.4272) | (1.6985) | (1.6291) | (1.5412) | (1.6499) | (1.5839) |
| Lahijan, Birjand | 95 | 0.511 | 0.5329 | 1.087 | 0.4417 | 0.4871 | 0.8979 |
|  |  | (0.476) | (0.421) | (0.6494) | (0.4793) | (0.4172) | (0.6898) |
| Garmsar | 96 | -0.6538 | -0.6479 | -0.8147 | -0.6474 | -0.6384 | -0.7944 |
|  |  | (0.4687) | (0.7125) | (0.8979) | (0.4544) | (0.6822) | (0.8464) |
| Damghan | 97 | -2.238\* | -2.2661\* | -2.1383 | -2.238\* | -2.2661\* | -2.1383 |
|  |  | (0.5913) | (0.719) | (1.2565) | (0.6029) | (0.6964) | (1.3601) |
| N | | 675 | 675 | 390 | 675 | 675 | 390 |
| X = Log(Pop) | | No | Yes | No | No | Yes | No |
| Matched | | No | No | Yes | No | No | Yes |
| Control Group: | | Never T | Never T | Never T | Not Yet T | Not Yet T | Not Yet T |
| Estimation Method: | | Doubly Robust | | | | | |
| Discription : Standard error in parentheses , \* P-value < 0.05 | | | | | | | |

در این حالت مناطق ویژه اقتصادی چه به صورت کلی و چه برای هر شهرستان تاثیر معنی­داری بر جریان مهاجر وارد شده به آن شهرستان را ندارد.

* **مهاجران اقتصادی**

جدول )‏4‑8: ( تاثیر مناطق ویژه اقتصادی به مهاجران اقتصادی وارد شده به شهرستان از همان استان

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ATT's based on group/cohort aggregation | | | | | | | |
| Overal ATT | | Y = log(Economic Short Distance Migrant) | | | | | |
| (1) | (2) | (3) | (4) | (5) | (6) |
| **0.7122** | **0.7708** | **0.583** | **0.7533** | **0.7837** | **0.6854** |
| (0.6388) | (0.6912) | (0.7103) | (0.6573) | (0.7172) | (0.716) |
| Counties | Year | Estimate | Estimate | Estimate | Estimate | Estimate | Estimate |
| Mahshahr | 89 | -5.1739\* | -4.6434\* | -5.2238\* | -5.1074\* | -4.6991\* | -5.0626\* |
|  |  | (0.5308) | (0.5732) | (0.9636) | (0.4675) | (0.4653) | (0.7697) |
| Eslamabad-e Gharb, Ardekan | 91 | 1.7143 | 1.6168 | 1.9552 | 1.8616 | 1.8055 | 2.2033 |
|  | (1.1838) | (1.1063) | (1.686) | (1.1866) | (1.0697) | (1.4121) |
| Tabriz, Bojnurd, Taybad | 92 | 2.4191 | 2.759 | 2.3001 | 2.4503 | 2.6974 | 2.3901 |
|  | (2.173) | (2.3216) | (1.99) | (2.0469) | (2.2365) | (2.1083) |
| Lamerd, Rafsanjan, Bandar-Lengeh | 93 | -0.0246 | 0.0681 | -0.617 | -0.02 | 0.0508 | -0.5258 |
|  | (1.7784) | (1.7864) | (1.8333) | (1.6853) | (1.7962) | (1.8862) |
| Lahijan, Birjand | 95 | 0.1911 | 0.0643 | 0.367 | 0.1941 | 0.0573 | 0.3663 |
|  |  | (0.8809) | (0.9691) | (1.2991) | (0.9064) | (1.0374) | (1.2597) |
| Garmsar | 96 | -0.4691 | -1.2451 | -0.3401 | -0.4089 | -1.1488 | -0.2084 |
|  |  | (0.7687) | (0.9328) | (1.3138) | (0.7303) | (0.9753) | (1.3899) |
| Damghan | 97 | 3.9076\* | 4.0656\* | 3.4496\* | 3.9076\* | 4.0656\* | 3.4496\* |
|  |  | (0.6021) | (0.7484) | (1.2861) | (0.5546) | (0.7292) | (1.2769) |
| N | | 675 | 675 | 390 | 675 | 675 | 390 |
| X = Log(Pop) | | No | Yes | No | No | Yes | No |
| Matched | | No | No | Yes | No | No | Yes |
| Control Group: | | Never T | Never T | Never T | Not Yet T | Not Yet T | Not Yet T |
| Estimation Method: | | Doubly Robust | | | | | |
| Discription : Standard error in parentheses , \* P-value < 0.05 | | | | | | | |

همانند قبل مناطق ویژه اقتصادی به صورت کلی تاثیر معنی­داری بر جریان­های مهاجر وارد شده به شهرستان از همان استان را ندارد. همچنین این نتیجه به اکثر شهرستان­ها نیز قابل تعمیم است مگر برخی از شهرستان­ها مانند ماهشهر که تاثیر منفی و از لحاظ آماری معنی­دار است و شهرستان دامغان که مثبت و از لحاظ آماری معنی­دار است .

#### 3-2-2-4- مهاجران وارد شده به شهرستان از سایر استان ها

* **کل مهاجران**

جدول )‏4‑9: ( تاثیر مناطق ویژه اقتصادی به کل مهاجران وارد شده به شهرستان از سایر استان ها

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ATT's based on group/cohort aggregation | | | | | | | |
| Overal ATT | | Y= log(Long Distance Migrant) | | | | | |
| (1) | (2) | (3) | (4) | (5) | (6) |
| **-0.5118** | **-0.5889** | **-0.825** | **-0.5408** | **-0.5486** | **-0.8625** |
| (0.6255) | (0.7176) | (0.7892) | (0.6484) | (0.7629) | (0.7762) |
| Counties | Group | Estimate | Estimate | Estimate | Estimate | Estimate | Estimate |
| Mahshahr | 89 | 3.1446\* | 1.9995 | 2.92\* | 3.1144\* | 2.2089 | 2.8893\* |
|  |  | (0.505) | (0.9578) | (1.0701) | (0.4719) | (0.8914) | (0.871) |
| Eslamabad-e Gharb, Ardekan | 91 | -0.027 | -0.3906 | -0.3542 | -0.0049 | -0.3476 | -0.2752 |
|  | (0.8599) | (1.2698) | (1.0167) | (0.8035) | (1.3144) | (1.0223) |
| Tabriz, Bojnurd, Taybad | 92 | -0.6535 | -0.0941 | -0.9071 | -0.8173 | -0.0948 | -1.2362 |
|  | (0.8994) | (0.7779) | (1.2306) | (0.9402) | (0.7728) | (1.1004) |
| Lamerd, Rafsanjan, Bandar-Lengeh | 93 | -2.4283 | -2.705 | -3.0993 | -2.41 | -2.6444 | -2.9828 |
|  | (2.0768) | (3.4065) | (2.1332) | (1.7257) | (2.4235) | (2.3185) |
| Lahijan, Birjand | 95 | -1.1407 | -1.1418 | -0.6636 | -1.1347 | -1.1419 | -0.6948 |
|  |  | (0.8245) | (0.9143) | (1.0412) | (0.8392) | (0.8712) | (0.9796) |
| Garmsar | 96 | -0.4654 | -0.5664 | -1.1675 | -0.4316 | -0.5185 | -1.0819 |
|  |  | (0.5539) | (0.6018) | (0.9848) | (0.5362) | (0.6171) | (1.0643) |
| Damghan | 97 | 2.2484\* | 2.3738\* | 1.5778 | 2.2484\* | 2.3738\* | 1.5778 |
|  |  | (0.4523) | (0.4309) | (0.9598) | (0.4797) | (0.3958) | (1.0276) |
| N | | 675 | 675 | 390 | 675 | 675 | 390 |
| X = Log(Pop) | | No | Yes | No | No | Yes | No |
| Matched | | No | No | Yes | No | No | Yes |
| Control Group: | | Never T | Never T | Never T | Not Yet T | Not Yet T | Not Yet T |
| Estimation Method: | | Doubly Robust | | | | | |
| Discription : Standard error in parentheses , \* P-value < 0.05 | | | | | | | |

در این حالت نیز تاثیر مناطق ویژه اقتصادی به صورت کلی بر مهاجران وارد شده به شهرستان از سایر استان ها معنی­دار نیست. همچنین این نتیجه برای اکثر شهرستان­های قابل تعمیم است مگر شهرستان­های ماهشهر و دامغان که تاثیر مناطق ویژه در این شهرستان­ها مثبت و از لحاظ آماری معنی­دار است که این نتایج مطابق انتظار تئوریک است.

در مورد مهاجران اقتصادی وارد شده به شهرستان از سایر استان­ها نیز همانطور که در جدول 4-10 مشاهده می­شود تاثیر این مناطق به صورت کلی از لحاظ آماری معنی­دار نیست و این نتیجه برای اکثر شهرستان­ها بجز دامغان قابل تعمیم است.

* **مهاجران اقتصادی**

جدول )‏4‑10: ( تاثیر مناطق ویژه اقتصادی به مهاجران اقتصادی وارد شده به شهرستان از سایر استان­ها

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ATT's based on group/cohort aggregation | | | | | | | |
| Overal ATT | | Y = log(Economic Long Distance Migrant) | | | | | |
| (1) | (2) | (3) | (4) | (5) | (6) |
| **1.1519** | **0.9619** | **1.2088** | **1.1571** | **1.0004** | **1.2077** |
| (0.6482) | (0.703) | (0.7879) | (0.6655) | (0.7602) | (0.7675) |
| Counties | Group | Estimate | Estimate | Estimate | Estimate | Estimate | Estimate |
| Mahshahr | 89 | 1.1778 | 0.6813 | 1.118 | 1.2142 | 0.9532 | 1.2102 |
|  |  | (0.5963) | (0.829) | (1.0742) | (0.544) | (0.8313) | (0.8563) |
| Eslamabad-e Gharb, Ardekan | 91 | 2.1247 | 1.7768 | 2.4775 | 2.2099 | 1.9025 | 2.5943 |
|  | (3.7599) | (3.1471) | (2.4446) | (1.8327) | (3.1373) | (2.8793) |
| Tabriz, Bojnurd, Taybad | 92 | 2.1892 | 1.7974 | 2.4204 | 2.0702 | 1.6684 | 2.1286 |
|  | (1.3252) | (1.4632) | (1.619) | (1.2329) | (1.5045) | (1.3938) |
| Lamerd, Rafsanjan, Bandar-Lengeh | 93 | 0.1461 | -0.1703 | 0.1183 | 0.1521 | -0.108 | 0.1257 |
|  | (1.1553) | (1.2293) | (1.3092) | (1.2297) | (1.2144) | (1.3477) |
| Lahijan, Birjand | 95 | -0.9151 | -0.8673 | -1.2266 | -0.8499 | -0.8246 | -1.0585 |
|  |  | (1.6938) | (1.7597) | (1.9575) | (1.8291) | (1.7514) | (1.9041) |
| Garmsar | 96 | -0.405 | 0.0193 | -0.6843 | -0.3355 | 0.1114 | -0.5077 |
|  |  | (0.6151) | (0.8208) | (1.1831) | (0.6513) | (0.736) | (1.1422) |
| Damghan | 97 | 4.7768\* | 5.1035\* | 5.1629\* | 4.7768\* | 5.1035\* | 5.1629\* |
|  |  | (0.6918) | (0.5209) | (1.133) | (0.6276) | (0.5393) | (1.2166) |
| N | | 675 | 675 | 390 | 675 | 675 | 390 |
| X = Log(Pop) | | No | Yes | No | No | Yes | No |
| Matched | | No | No | Yes | No | No | Yes |
| Control Group: | | Never T | Never T | Never T | Not Yet T | Not Yet T | Not Yet T |
| Estimation Method: | | Doubly Robust | | | | | |
| Discription : Standard error in parentheses , \* P-value < 0.05 | | | | | | | |

در مجموع همانطور که در جداول فوق مشاهده می­شود به صورت کلی مناطق ویژه اقتصادی تاثیر معنی­داری بر جریان­های مهاجر وارد شده به شهرستان­ها ندارد و این نتیجه برای مهاجران از راه دور و یا نزدیک و مهاجران اقتصادی یا کل مهاجران قابل تعمیم است . در مورد تاثیر این مناطق بر تک تک شهرستان­ها نیز می­توان گفت در اکثر شهرستان­ها تاثیر معنی­داری یافت نشد و در اندکی از شهرستان­ها تاثیر مناطق ویژه اقتصادی بر جریان­های مهاجرت از لحاظ آماری معنی­دار است. که گاه این نتایج همسو با انتظارات تئوریک است و گاه همسو با انتظارات تئوریک نیست . که در این موارد می­توان گفت عدم کنترل کردن متغیر­های آب­و­هوایی و همچنین خطای داده­های طرح آمارگیری نیروی کار باعث می­شود نتوان به طور قطع در مورد تاثیر این مناطق بر جریان­های اقتصادی نظر داد.

|  |
| --- |
| : بحث و نتیجه گیری |

## 1-5- مقدمه

در این پژوهش به بررسی انگیزه مهاجرت‌های درون مرزی افراد و به خصوص انگیزه‌های اقتصادی آن­ها پرداخته شد. در واقع هدف از انجام این پژوهش بررسی این موضوع بود که پاسخ افراد به شوک ناهمگن اقتصادی در مناطق مختلف کشور چگونه است. آیا توسعه اقتصادی مناطق منجر به ورود(خروج) مهاجران به (از) آن مناطق می­شود یا اساسا ریشه مهاجرت افراد را باید در عوامل دیگری جستجو کرد. برای همین منظور در این پژوهش پدیده مهاجرت دورن مرزی را در چارچوب سیاست ایجاد مناطق ویژه اقتصادی بررسی کردیم تا به نوعی پاسخ مهاجران به این شوک اقتصادی ناهمگن را شناسایی کنیم.

## 2-5- محتوا

### 1-2-5- جمع بندی

تصویب و ایجاد مناطق ویژه اقتصادی در یک منطقه چشم انداز توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال را با خود به همراه می‌آورد و اینگونه انتظار می‌رود که این مناطق منجر به این شود که جریان مهاجر وارد شده به استان­های دارای این مناطق بیشتر شده و یا برعکس جریان مهاجر خارج شده از این استان­ها کمتر شود. در سطح شهرستان نیز اینگونه انتظار می‌رود که جریان مهاجر اقتصادی وارد شده به این مناطق بیشتر شود.

عمده نتایج بدست آمده در این پژوهش مطابق انتظار نیست . به تعبیری علی رغم اینکه تاسیس مناطق ویژه اقتصادی مزایایی را با خود به همرا می‌آورد ولی تاثیر معنی داری بر جریان‌های مهاجرت نمی‌گذارد. حتی وقتی جریان‌های مهاجرت را صرفا به جریان‌های اقتصادی محدود می‌کنیم باز هم به نتایج معنی­داری دست نمی­یابیم. حصول چنین نتیجه‌ای را یا می‌توان اینگونه تفسیر کرد که واقعا مناطق ویژه اقتصادی بر مهاجرت‌های استانی بی‌تاثیر است یا اینکه مزایای این مناطق به گونه‌ای نیست که بر ترجیحات افراد نسبت به زندگی در محل فعلیشان غلبه کند. البته وجود خطا در داده‌های طرح آمارگیر نیروی کار نیز می‌توان منجر به حصول چنین نتیجه‌ای شود.

عامل دیگری که می‌تواند منجر به حصول چنین نتیجه‌ای شود شرایط اقلیمی استان‌ها است. در واقع از آنجایی که این متغیر در این پژوهش کنترل نشده است می‌تواند نتایج را به گونه‌ای دستخوش تغییر کند که شاهد بی تاثیر بودن مناطق ویژه اقتصادی بر جریان‌های استانی باشیم . به تعبیری در یک استان یا شهرستان علی­رغم اینکه تاسیس منطقه ویژه اقتصادی می‌تواند مزایایی را به همراه آورد ولی بدتر شدن وضعیت اقلیمی می‌تواند به گونه‌ای باشد که تاثیر مناطق ویژه اقتصادی را خنثی کند . در چنین شرایطی محدود کردن جریان مهاجرت به جریان‌های اقتصادی نیز کمکی نمی‌تواند بکند زیرا پدیده خشکسالی می‌تواند موجی از مهاجران اقتصادی را بوجود آورد.

### 2-2-5- نوع آوری

این پژوهش اولین پژوهشی است که پدیده مهاجرت را در چارچوب یک سیاست مبتنی بر مکان( سیاست ایجاد 48 منطقه ویژه اقتصادی در سال 1389) بررسی می‌کند. در واقع بررسی این پدیده در چارچوب این شوک اقتصادی به شناسایی دقیق نقش عوامل اقتصادی بر مهاجرت‌های استانی کمک می‌کند و همچنین بررسی در این چارچوب سیاست­گذار را برای اعمال سیاست‌هایی که مانع از تمرکز‌­زدایی شود کمک خواهد کرد.

همچنین در این پژوهش از آخرین مدل بسط یافته تفاضل در تفاضل و یا به عبارت دیگر مدل تفاضل در تفاضل با دوره‌های زمانی متعدد استفاده شده است که از متدهای ابتدایی این روش تخمین سازگار‌تری را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد.

### 3-2-5- محدودیت ها و پیشنهاد ها

با توجه به اینکه اطلاعات مشخصی از مناطق ویژه اقتصادی در دسترس نبود، زمان شروع به فعالیت این مناطق با توجه به اطلاعات سایت روزنامه رسمی مشخص شد درصورتی که امکان دسترسی به اطلاعات این مناطق یا گزارشات دوره­ای که دبیرخانه مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌دهد، فراهم شود. می‌تواند به تشریح دقیق­تر مسئله کمک کند.

همانطور که مطرح شد عامل دیگری که می‌تواند نتایج این پژوهش را دستخوش تغییر کند، شرایط اقلیمی مناطق مختلف کشور در طول زمان است. از آنجایی که اطلاعات مربوط به شرایط اقلیمی در دسترس نبود و جمع­آوری آنها به درازا می‌کشید، در این پژوهش از کنترل کردن این عوامل صرف نظر شده است. درصورتی که کنترل کردن آنها ما را یک قدم به تفسیر علی تاثیر مناطق ویژه بر مهاجرت­های استانی نزدیک­تر می‌کند، لذا پیشنهاد می‌شود که پژوهش­های آتی کنترل کردن شرایط اقلیمی را در الویت قرار دهند.

همچنین برای تدقیق نتایج، بهتر است که وزن‌های داده­های طرح آمارگیری نیروی کار در سطح استان اصلاح شود که مجال این کار در این پژوهش نبود .

همچنین برای بررسی بهتر این موضوع می‌توان جریان‌های مهاجرتی که مورد بررسی قرار می‌دهیم را محدود­تر کنیم به عنوان نمونه می‌توان تاثیر این مناطق را بر جریان مهاجرت غیر ایرانیان بررسی کرد. غیر ایرانی ها غالبا ترجیح خاصی نسبت به محل زندگیشان ندارند و در برابر شوک­های اقتصادی سریع­تر پاسخ می‌دهند.

|  |
| --- |
| منابع و مراجع |

* راعي هاشم, مويدفر رزيتا, و عمادزاده مصطفي. "عوامل اقتصادي-اجتماعي موثر بر مهاجرت بين استاني در ايران (بر پايه مدل گرانش بسط يافته طي دوره 1375-1385)." 157-174.‎
* میرزامصطفی, قاسمی, و پروانه. "عوامل مؤثر بر مهاجرت‌‌های استانی با استفاده از مدل جاذبه." *فصلنامه سیاست های مالی واقتصادی* 1.3 (2013): 71-96.‎
* نتایج آمارگیر نیروی کار سال 1388
* مرکز پژوهش های مجلس " قانون ایجاد یک منطقه آزاد تجاری- صنعتی و بیست و سه منطقه ویژه اقتصادی " به شماره 49288274 به تاریخ 1/8/1389
* درگاه خدمات مناطق آزاد و ویژه اقتصادی
* Alecke, B., Mitze, T., & Untiedt, G. (2010). Internal migration, regional labour market dynamics and implications for German East-West disparities: results from a Panel VAR. *Jahrbuch für Regionalwissenschaft, 30*, 159–189.
* Ashenfelter, O. (1978). Estimating the effect of training programs on earnings. *The Review of Economics and Statistics*, 47–57.
* Ashenfelter, O. C., & Card, D. (1984). Using the longitudinal structure of earnings to estimate the effect of training programs. *Using the longitudinal structure of earnings to estimate the effect of training programs*. National Bureau of Economic Research Cambridge, Mass., USA.
* Bertrand, M., Duflo, E., & Mullainathan, S. (2004). How much should we trust differences-in-differences estimates? *The Quarterly journal of economics, 119*, 249–275.
* Biagi, B., & Dotzel, K. R. (2018). Theoretical advances on interregional migration models. In *New frontiers in interregional migration research* (pp. 21–47). Springer.
* Biagi, B., Faggian, A., & McCann, P. (2011). Long and short distance migration in Italy: the role of economic, social and environmental characteristics. *Spatial Economic Analysis, 6*, 111–131.
* Blundell, R., Dias, M. C., Meghir, C., & Van Reenen, J. (2004). Evaluating the employment impact of a mandatory job search program. *Journal of the European economic association, 2*, 569–606.
* Blundell, R., Duncan, A., & Meghir, C. (1998). Estimating labor supply responses using tax reforms. *Econometrica*, 827–861.
* Callaway, B., & Sant’Anna, P. H. (2021). Difference-in-differences with multiple time periods. *Journal of Econometrics, 225*, 200–230.
* Card, D. (1990). The impact of the Mariel boatlift on the Miami labor market. *ILR Review, 43*, 245–257.
* Card, D., & Krueger, A. B. (1993). Minimum wages and employment: A case study of the fast food industry in New Jersey and Pennsylvania. *Minimum wages and employment: A case study of the fast food industry in New Jersey and Pennsylvania*. National Bureau of Economic Research Cambridge, Mass., USA.
* Chaurey, R. (2017). Location-based tax incentives: Evidence from India. *Journal of Public Economics, 156*, 101–120.
* Cheshire, P. C., & Magrini, S. (2006). Population growth in European cities: weather matters–but only nationally. *Regional studies, 40*, 23–37.
* DaVanzo, J. (1978). Does unemployment affect migration? Evidence from micro data. *The Review of Economics and Statistics*, 504–514.
* Ferguson, M., Ali, K., Olfert, M. R., & Partridge, M. (2007). Voting with their feet: Jobs versus amenities. *Growth and Change, 38*, 77–110.
* Glaeser, E. L., & Gottlieb, J. D. (2008). *The economics of place-making policies.* Tech. rep., National Bureau of Economic Research.
* Goodman-Bacon, A. (2021). Difference-in-differences with variation in treatment timing. *Journal of Econometrics*.
* Graves, P. E., & Linneman, P. D. (1979). Household migration: Theoretical and empirical results. *Journal of urban economics, 6*, 383–404.
* Greenwood, M. J. (1975). Research on internal migration in the United States: A survey. *Journal of economic literature*, 397–433.
* Heckman, J. J., & Hotz, V. J. (1989). Choosing among alternative nonexperimental methods for estimating the impact of social programs: The case of manpower training. *Journal of the American statistical Association, 84*, 862–874.
* Heckman, J. J., Ichimura, H., & Todd, P. (1998). Matching as an econometric evaluation estimator. *The review of economic studies, 65*, 261–294.
* Kline, P., & Moretti, E. (2014). Local economic development, agglomeration economies, and the big push: 100 years of evidence from the Tennessee Valley Authority. *The Quarterly journal of economics, 129*, 275–331.
* Lester, R. A. (1946). Shortcomings of marginal analysis for wage-employment problems. *The American Economic Review, 36*, 63–82.
* Menon, R. (2019). The Effect of Place-Based Policies on Migration.
* Moretti, E. (2010). *Local labor markets.* Tech. rep., National Bureau of Economic Research.
* Neumark, D., & Simpson, H. (2015). Place-based policies. In *Handbook of regional and urban economics* (Vol. 5, pp. 1197–1287). Elsevier.
* Obenauer, M. L., & von der Nienburg, B. (1915). Effect of Minimum-Wage Determination in Oregon (Bureau of Labor Statistics Bulletin No. 176). *Washington, DC: United States Department of Labor*.
* Pissarides, C. A., & Wadsworth, J. (1989). Unemployment and the inter-regional mobility of labour. *The Economic Journal, 99*, 739–755.
* Ravenstein, E. G. (1885). The laws of migration. *Journal of the statistical society of London, 48*, 167–235.
* Snow, J. (1856). Cholera and the water supply in the south districts of London in 1854. *Journal of public health, and sanitary review, 2*, 239.

**Abstract:**

[]

**Keywords:** []

SupervisorSignature

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | **KHATAM University**  **Non- governmental, Non-profitable**  **Faculty of Humanities**  **Department of Economics** |  |
| [] | | |
| A thesis submitted to the Graduate Studies Office  In partial fulfillment of the requirements for  The degree of M.A in  Economics/ Theoretical Economics | | |
| **Supervisor:**  Dr. Mahdi Heidari  **By:**  Mahdi Mir  September 2022 | | |

1. Ravenstein 1885 [↑](#footnote-ref-2)
2. Hicks 1932 [↑](#footnote-ref-3)
3. Biagi and Dotzel 2018 [↑](#footnote-ref-4)
4. Disequilibrium approach [↑](#footnote-ref-5)
5. Gravity model [↑](#footnote-ref-6)
6. Greenwood [↑](#footnote-ref-7)
7. DaVanzo [↑](#footnote-ref-8)
8. Pissarides & Wadsworth [↑](#footnote-ref-9)
9. Equilibrium approach [↑](#footnote-ref-10)
10. Graves & Linneman [↑](#footnote-ref-11)
11. Cheshire & Magrini [↑](#footnote-ref-12)
12. Alecke & et.al [↑](#footnote-ref-13)
13. Biagi & et.al [↑](#footnote-ref-14)
14. Ferguson & et.al [↑](#footnote-ref-15)
15. Moretti [↑](#footnote-ref-16)
16. Tennessee Valley [↑](#footnote-ref-17)
17. Kline & Moretti [↑](#footnote-ref-18)
18. Neumark & Simpson [↑](#footnote-ref-19)
19. Equity rationale [↑](#footnote-ref-20)
20. Efficiency rationale [↑](#footnote-ref-21)
21. Glaeser & Gottlieb [↑](#footnote-ref-22)
22. Chaurey [↑](#footnote-ref-23)
23. Story [↑](#footnote-ref-24)
24. Kentucky [↑](#footnote-ref-25)
25. Alabama [↑](#footnote-ref-26)
26. Mississippi [↑](#footnote-ref-27)
27. Uttarakhand [↑](#footnote-ref-28)
28. Himachal [↑](#footnote-ref-29)
29. Menon [↑](#footnote-ref-30)
30. Bertrand & et.al [↑](#footnote-ref-31)
31. Snow [↑](#footnote-ref-32)
32. Obenauer & von der Nienburg, [↑](#footnote-ref-33)
33. Lester [↑](#footnote-ref-34)
34. Heckman & et.al [↑](#footnote-ref-35)
35. Abadie [↑](#footnote-ref-36)
36. Athey & Imbens [↑](#footnote-ref-37)
37. Callaway & et.al [↑](#footnote-ref-38)